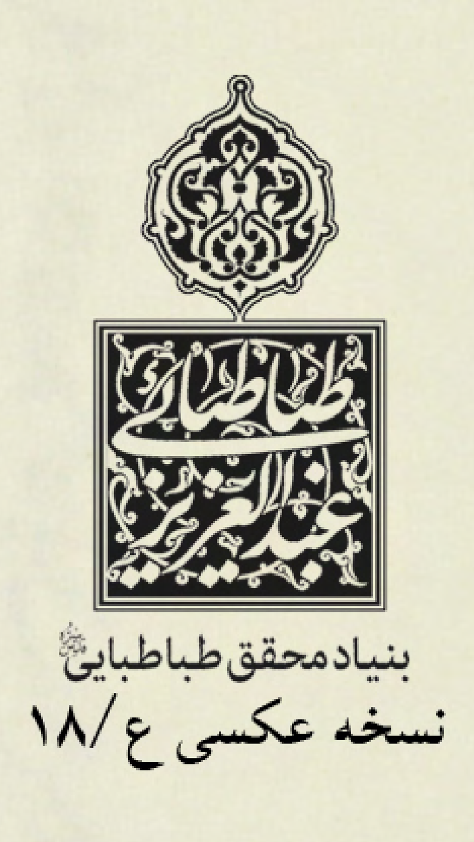
١٨٤

١٨/٤



درسهائی از
مکتب اسلام
قم خیابان ارم

شماره ۳۹۰۷/ب
آدرس تلگرافی: مکتب اسلام
تلفن { دفتر مرکزی ۲۳۸۳
شعبه ۲۹۱۶

۱۸/۴

بسمه تعالی

حضور انور حضرت حجه الاسلام والمسلمین جناب
آقای حاج سید محمد علی روضاتی دامت برکاته

پس از تقدیم سلام از خداوند بزرگ موفقیت جنابعالی را خواهانم و اگر از روی الطاف و مرحمت خواهان اطلاع از وضع دوستان باشید بحمدالله همگی سالم و دعاگوی وجود مبارک هستند.

حسب المعمول نامه‌ای که یکی از خوانندگان ما نوشته است حضور عالی ارسال میشود لطفا پاسخ آنرا با ذکر مدارک مرقوم فرمائید در پایان بقاء عمر و سعادت آنجناب را خواهانیم

با تقدیم احترام
جعفر سبحانی



نامه آقای اکبر فضلعلی «مؤسس هیئت محبان المهدی دعای کمیل» بنشانی [تهران سمنگان چهل دستگاه سمت غربی پلاک ۲۳۵ را] ضمیمه بود که در خصوص مزار امامزاده داود تهران سؤال کرده بود و اینجانب رساله‌ای در این باره تالیف و بوسیله پست بنشانی مکتب اسلام فرستادم و چند نسخه تصویری هم از آن رساله تهیه نمودیم برای دیگر طالبان تاریخ عنه ع ج ۱/۳/۹۳ مطابق ۱۳/۲/۱۳۵۲ شمسی م ع ار

بسم الله الرحمن الرحیم

بعد الحمد والصلوة، یکی از فضلاء اصدقاء سؤال کرده اند اینکه مؤلف کتاب نفیس «روضة الامثال فی جمع الأمثال القرآنیة وتفاسیرها وما یتعلق بها. طبع سنگی ۱۳۲۴ ق» در صفحه ۲۲۳ گوید: «قال جدّي علامة المجلسي [کذا والصواب العلّامة المجلسي] نوّر الله ضریحه فی شرح الجامعة» الخ، آیا ایشان[1] با خاندان علامه مجلسی چه نسبتی داشته اند؟

پاسخ اینست که: این کلام از خود مرحوم کوزه کنانی مؤلف «روضة الامثال» نیست و در جائی دیده و شنیده نشده است که آن مرحوم را با خاندان علّامه مجلسی پیوندی باشد، بلکه با مراجعه بصفحات قبل و بعد موضع مذکور معلوم میشود که این عبارت رسالهٔ «تفسیر آیة النور» مرحوم آقا شیخ هادی بن محمد امین طهرانی نجفی[2] است که اصل این تفسیر بسال ۱۳۱۹ قمری طی ۱۵۲ صفحه کوچک در طهران چاپ سنگی شده است و این کلام در صفحه ۲۵ همان رساله موجود است، و مرحوم کوزه کنانی چون این رساله را دیده و پسندیده عینًا تمام آنرا در کتاب مذکور خود (از صفحه ۲۲۱ تا ۲۳۵) نقل نموده و با اینکه در مقدمه ئی که قبل از نقل رساله نوشته و مدح و تعریف بسیار از مؤلف آن کرده معذلک بملاحظه تقیه اسم صاحب آنرا نیاورده، و این است عین کلام آن مرحوم که بخاطر مزید فایده نقل می کنیم، قال فیما قال: «رأیت فیها رسالة لبعض فحول عصرنا الفائق فی فنون العلم کلها علی سایر العلماء فی عصره وان أنزله الدهر حتی صار کالشمس وراء الغیم ومع ذلک تحقیقاته مذخرة فی صدور الأفاضل وجواهرها ودیعة فی خزائن الرسائل» الخ، وما یه کمال تعجب و تحیّر است که این آقا شیخ هادی با آنهمه کمالات و مقامات چگونه در انظار موقعیت مخصوصی یافته که حتی فاضل کوزکنانی هم که تمام تفسیر آیة النورش را در کتاب خود آورده و باعتبار آن افزوده است و ظاهرًا مراد ه خصوصیتی هم بادی داشته باز برای حفظ شؤونات و رعایت ملاحظات از تصریح بنام آن مرحوم خودداری و دریغ کرده است، فاعتبروا یا اولی الأبصار.

(۱) مؤلف کتاب روضه مرحوم حاج ملا احمد بن عبدالله کوزه کنانی تبریزی نجفی متوفای پنجم ربیع الاول ۱۳۲۷ در کاظمین و مدفون در نجف اشرف، از اعاظم فقها و محقق و منوّر الفکر زمان خود بود.

(۲) مرحوم حاج شیخ هادی (یا محمد هادی) طهرانی فقیه محقق استاد نامدار، فرزند مرحوم آخوند ملا محمد امین از وعاظ محترم زمان در بلده طهران، که در همان شهر متولد شده و در شب ۴ شنبه دهم شوال المکرم ۱۳۲۱ در نجف اشرف وفات یافته است.

و امّا اصل کلام مرحوم شیخ محمد هادی در تفسیر آیة النور باین کیفیت است: «قال جدّي العلامة المجلسي نوّر الله ضریحه في شرح الجامعة: المثل المترکة [کذا والصواب: محرّکة] الحجة والحدیث والصفة، والجمع: المُثُل بضمّتین، ویمکن قرائته بهما، فانّهم حجج الله [تعالی واعلامه: روضه] والمتصفون بصفات الله [تعالی. روضه]، فهم صفته وصفاته علی المبالغة، او مثل الله بهم [تعالی لهم. روضه] فی قوله تعالی «الله نور السموات والأرض مثل نوره کمشکوة»، کما روي في الاخبار الکثیرة بل ادّعی بعض اصحابنا الاجماع ایضًا انّها نزلت فیهم، انتهی».
سپس خود پیرو این نقل گفته است: «وهذا من غرائب الکلام فانّ النزول فیهم لا یقتضي أن یکون المثل بهم بل صریح الأخبار أنه لهم فتفطّن»، پایان کلام آقا شیخ هادی.

و مخفی نماند که مقصود آن مرحوم از «جدّي العلّامة المجلسی» همانا مرحوم آخوند ملا محمد تقی یعنی مجلسی اول است نه مجلسی دوم، زیرا اوّلًا خود آقا شیخ هادی در بحث تحریف از مبحث حجیت کتاب از ادلّه عقلیهٔ کتاب دیگرش «محجة العلماء ص ۱۴۲ ط سنگی ۱۳۱۸» در کمال وضوح نسبت خود را با مجلسیین چنین وصف کرده است که: «جدّي وخالي المجلسیان»، یعنی مجلسی اول جدّ و دوم خال وی بوده اند. و نیز در همان موضع وحید بهبهانی آقا محمد باقر بن محمد اکمل (متولد ۱۱۱۷ متوفی ۱۲۰۵ هر دو بضبط مرآت الاحوال) را عموی خود نامیده گوید: «وعمّي المجدّد في فوائده»، پس ناچار یکی از برادران وحید مجدّد جدّ پدری یا مادری وی بوده، و از اینجا نسبت آقا شیخ هادی با مجلسیین آشکار می شود، و بنا بقول مرحوم آقا احمد بن آقا محمد علی بن آقا محمد باقر وحید بهبهانی برادران وحید سه تن بوده اند: آقا محمد حسین و آقا محمد علی و آقا حسن رضا، و مادر آنان دختر آقا نور الدین مازندرانی بوده که پدرش مولانا محمد صالح معروف و مادرش آمنه بیگم دختر مجلسی اول و خواهر مجلسی ثانی بوده، و این است تمام آنچه تا بحال از انتساب مرحوم آقا شیخ هادی بخاندان وحید و خاندان مجلسی معلوم و بیش از این چیزی بدست نیامد.

و ثانیًا این مطلبی که مرحوم شیخ از شرح الجامعه آورده عینًا از شرح زیارت جامعه شریفه کتاب «روضة المتقین، جلد ۵ ص ۳۶۲» تألیف مولانا محمد تقی مجلسی اول (متولد ۱۰۰۳ متوفی ۱۰۷۰) است و آنچه را که در تفسیر آیه نور نقل کرده تمامًا در آنجا موجود است، و این کتاب عظیم القدر در این چند سال اخیر بهمت جمعی از علماء اعلام قم و اهل خیر در جریان طبع قرار گرفته و تا حال نشر مجلد آن بما واصل شده، جزاهم الله تعالی خیرًا. و مخفی نماند که شرح زیارت جامعه را نباید تألیف مستقلی از مجلسی اول قدّه دانست بخصوص که یکبار دیگر نیز آنرا در «لوامع صاحبقرانی» یعنی شرح فارسی خود بر کتاب فقیه گزارش کرده است، اگر چه شیخنا العلامه صاحب الذریعه ره در (ج ۱۳ ص ۳۰۵) استظهار کرده اند که آن مرحوم شرحی مستقل بر زیارت جامعه داشته باشد، امّا این مجرّد احتمالی بیش نیست چنانکه خود نیز اعتراف نموده اند، و هذا تمام الکلام والسلام. بتاریخ ۲۴ قعده ۱۳۹۸ سید محمد علی روضاتی.



این رساله را که درباره امامزاده داود ... اینجانب در شش سال قبل باختصار در پاسخ مرقومه علامه شهیر حجة الاسلام و ملاذ المسلمین آقای حاج شیخ جعفر سبحانی تبریزی که سالهای متمادی است در بلده طیبه قم حوزه علمیه و عموم اهل بیان را مستفیض میفرمایند (ادام الله تأییده) نگاشته و در این ایام با تغییراتی آنرا کامل تر نمودم والله الموفق . ذی الحجه ۹۸ . روضاتی .

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی سیدنا و نبینا محمد و عترته الطیبین الطاهرین و لعنة الله علی اعدائهم اجمعین.

بعد العنوان ، درخصوص سؤالی که آقای اکبر فضلعلی راجع به امامزاده داود کرده ‌اند بر سبیل استعجال چند سطری باختصار معروض می دارد .

این مزار مبارک در محلی بنام فرحزاد «چهار فرسنگی شمال طهران» واقع شده و مشتمل بر بقعه و بارگاه و از قدیم الایام مورد توجه مردم مسلمان بوده ، و با اینکه محل آن در میان کوهستان صعب العبور است پیوسته زیارتگاه معمور و خواص و عوام بدان معتقد و در شدائد احوال از روح مطهر صاحب آن مزار استمداد و از خداوند متعال قضای حوائج خود را در آن مکان شریف خواستار می شده اند . و شک نیست که تلاوت قرآن مجید و ادعیه و زیارات مأثوره در امکنه مقدسه و مزارات انبیاء عظام و ائمه کرام و امامزادگان ذوی الاحترام و بلکه در مقابر علماء و صلحا بعلت تقرب آنان نزد پروردگار عالم و اهداء ثواب تلاوت به ارواح مطهره ایشان و پس درخواست حوائج مشروعه ببرکت آن امکنه مقدسه و ارواح مطهره مقرون به اجابت خالق منان خواهد گردید .

و نیز شک نیست که امامزادگان والامقام هرچه نسبا بائمه اطهار علیهم السلام نزدیکتر باشند درجه احترام و عظمت آنان بیشتر خواهد بود ، کما قیل «تاریخ بیهق ص ۵۴» :

هرآنکس که جدش محمد (ص) بود جهان را از او عز سرمد بود
اگر سازد از قدر انگشتری نگینش نشاید مگر مشتری

و لذا است که از همان زمان ائمه اطهار کسانی در ثبت و ضبط اسامی و شرح حالات امامزادگان کتابهائی تألیف نموده اند که غالبا بعنوان کتب انساب معروف گردیده و این قبیل کتب تا زمان حاضر در گوشه و کنار جهان

بارز و ظاهر بوده است . مع الأسف بسیاری از کتب قدیم نسب در اثر حوادث و بلایا از بین رفته و جز اسمی از آنها در دست نیست و از باب مثال از تألیفات کثیره نفیسه مرحوم سید تاج الدین ابن معیة (متوفی سال ۷۷۶ در حلّه) که یکی از بزرگترین نسابه های محقق و استاد صاحب عمدة الطالب بوده حتی یک ورق در دست نیست و تماماً تلف شده و از بین رفته است. بعلاوه چون ذراری ائمه اطهار همچون آباء کرامشان پیوسته در معرض تعدّی و تجاوز و جور و عدوان دشمنان بوده و حتی گاه مجبور به پنهان کردن اصل و نسب خود از مردم میشده اند علیهذا احوال و آثار و قبور و مزارات اکثر آنان مجهول مانده و نظر بعلل فوق الاشعار با اینکه مزارات بسیاری در عموم بلاد و قری و قصبات و حتی جزائر و کوهستانها و بیابانهای حجاز و عراق و سوریه و ایران و سایر بلاد و ممالک اسلامی شرقاً و غرباً بنام امامزاده ها معروف و مشهور است اما حقیقت اصل و نسب و احوال آنان مجهول ولکن عموماً برای هریک از آن امامزاده ها در محل خودشان مطالبی بر سر زبانها است که غالباً مبتنی بر ظهور کرامات و خوارق عادات است ، و در خصوص امامزادگان ایران این مطلب جالب توجه است که یکی از مورخین و نسابه های قرن ششم بنام ابوالحسن علی بن زید بیهقی (متوفی بسال ۵۶۵) در مجلد اول کتاب نفیس خود «لباب الانساب و القاب الاعقاب» (نسخه خطی کتابخانه آستان قدس) گوید پس از شهادت حضرت امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام سه هزار نفر از اولاد ائمه طاهرین بخونخواهی آنحضرت از بغداد بایران آمدند و لشگر مأمون از حدود و حوالی قم تا خراسان جابجا با آنان مصاف داده و آنها را شهید کردند ! در صورت صحت این کلام نتیجه آنست که در حدود سال دویست و سه هجری که سال شهادت حضرت امام علی بن موسی الرضا صلوات الله و سلامه علیهما است قریب سه هزار تن از سادات عظام و اولاد ائمه انام علیهم السلام در بلاد ایران از حوالی قم تا خراسان بدرجه رفیعه شهادت نائل و در همان امکنه شهادت خود مدفون گردیده اند که قبور مبارکه آنان باز بسبب جور و عدوان دشمنان مخفی و مستور بلکه متروک و مجهول مانده و در همان اوان بکلّی آثار آن قبور از بین رفته است جز اندکی انگشت شمار همانند قبر حضرت احمد بن موسی الکاظم علیهما السلام که بقول همان نسابه بیهقی بدست لشگر مأمون در کوهستانهای ناحیه اسفراین خراسان شهید گردیده و در همانجا دفن شده و قبر مطهرش تا زمان بیهقی مذکور مزاری مشهور بوده که مع الوصف مزار این امامزاده جلیل القدر نیز در کتب مختلف در چند موضع دیگر نیز نشان داده شده و شهرت فعلی که مزار فایض الانوار شاهچراغ شیراز باشد خط بطلان بر روی همه اقوال دیگر بحق یا ناحق کشیده است .

و نیز از جمله شواهد انتشار و انتقال ذراری ائمه اطهار و امامزادگان بلاواسطه و یا قلیل الواسطه آنحضرات صلوات الله و سلامه علیهم در اطراف و اکناف عالم آنست که نسابه بزرگ قرن پنجم ابراهیم بن ناصر ابن طباطبا در کتاب نفیس خود «منتقلة الطالبیه» قریب سیصد و پنجاه شهر و قریه و قصبه را عنوان کرده است که سادات بزرگوار بدان نواحی وارد و سکونت اختیار کرده اند ، و تازه این احصائیه تا اواسط قرن پنجم هجری است که زمان تألیف کتاب منتقله بوده ، و متأسفانه از آنهمه امامزادگان واجب التعظیمی که بدانها اشاره کردیم بعلت جور و ستم دشمنان و یا علل دیگر کمتر نام و نشانی باقی مانده و با اینکه در زمان حاضر قبور و مزارات بسیاری در گوشه و کنار بنام امامزادگان معروف و مشهور است بدرستی و از روی تحقیق پسندیده علمی نمیتوان نام و نسب صحیح همین عده را نیز کاملاً معین نمود مگر تنی چند بغایت اندک که شاید در رقم آنان از عدد انگشتان

سید محمد علی روضاتی
اصفهان

نیز تجاوز نکند، والا فقط در یک کتاب «مازندران و استراباد» تألیف شخصی بنام رابینو که در حدود شصت هفتاد سال قبل کنسول یکی از دول خارجی در شهر رشت بوده است قریب شصت امامزاده در نواحی شمالی ایران با نامهای مأنوس و غیر مأنوس از «امامزاده آقا سید حسن» گرفته تا «امامزاده یعقوب پیغمبر» یاد شده است و از جمله همین امامزاده داود. پس بر اشخاص متدین و معتقدات که نسبت بکلیه قبور و مزارات منسوبه بذراری خاندان عصمت و طهارت صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین بدیده احترام نگریسته و از خواندن ادعیه و زیارات و تلاوت کلام الله مجید و اهداء ثواب آن بارواح مطهره آنان و همچنین اصلاح و تنظیف و مرمت و احیاء ابنیه متعلقه دریغ ننموده و در این امور ساعی و کوشا باشند، امید که خداوند عالم اجر و پاداش اعمال خیر ایشان را کرامت فرماید و ما ذلک علی الله بعزیز. «مثنوی» شاخه گل هر کجا روید گل است

باری، آنچه درباره امامزاده داود از تتبع در کتب مختلف بدست آمده است مختصراً از اینقرار است که آقای شیخ عبدالعزیز صاحب جواهر در کتاب «دائرة معارف الشیعة الامامیة الاثنی عشریه» جزء ۳ ص ۳۲۴ گوید: «امام زاده داود. نزدیک قریه شهرستانک و قلعه توچال دره معروف بدره امام زاده داود است، و در دره‌های مجاور این امام زاده نیز در سمت مغرب و جنوب غربی آن بقعه‌هائی بنام امام زاده علاء الدین، امام زاده قاسم، امام زاده عقیل برادران امام زاده داود است. نسب امام زاده داود مطابق سرلوحه و زیارتنامه که دارد چنین است: داود بن عماد بن جعفر بن نوح بن عقیل بن هادی بن امام زین العابدین علیه الصلوة و السلام ضریح او آلت سازی سبک معروف کبعفری برنگ ساده چوب ساخته شده است. در گوشه شمال شرقی حرم از کف زمین دریچه بزرگ آهنی بطرف سرداب باز میشود که بوسیله چند پله باریک از آن پائین بروند و مرقد امام زاده داود را در وسط سرداب زیارت میکنند» و این گونه زیارتگاه ظاهراً در تمام زیارتگاه‌های ایران مختص بامام زاده داود است» الخ. و لکن مخفی نماند که اولاً در زمره فرزندان حضرت امام زین العابدین علی بن الحسین علیهما السلام شخصی بنام هادی در کتب نسب دیده نمیشود، و ثانیاً از کتاب «بدایع الانساب فی مدفن الاطیاب» تألیف سید مهدی بن مصطفی الحسینی التفرشی المتخلص بلاهوتی و الملقب ببدایع نگار. طهران سال ۱۳۱۹ شمسی، بنحو دیگری استفاده میشود، چنانکه گوید: «داود بن عماد بن جعفر بن نوح بن عقیل بن هادی. در چهار فرسنگی طهران سمت شمال در میان کوه بقعه دارد، مزور است. از طهران تا فرحزاد دو فرسنگ و از فرحزاد در میان دره و کوه تا آنجا دو فرسنگ است و مردم طهران در تابستان بسیار آنجا میروند و اعتقاد دارند. این حقیر بسیار آنجا رفته متولیان آنجا عوام و نادانند، پدران این داود را گویند در سولقان مدفونند که نزدیک آنجا است، لیکن هادی را ندانند بکدام امام اتصال پیدا میکند، بعضی گمان کرده اند که شاید داود بن موسی بن ابراهیم بن امام موسی است، این بنده کمال تفحص در کتب کرده هادی نام نداریم جز جد امامزاده ابوعبدالله که در فرحزاد است، و اینها سادات بودند که از دست دشمن بکوهستان فراری بودند، و این امام زاده حسنی است این قسم: داود بن عماد بن جعفر بن نوح بن عقیل بن هادی بن یحیی ابن قاسم بن ابراهیم طباطبا ابن اسمعیل بن ابراهیم بن حسن مثنی ابن امام حسن، والله اعلم. گویند: برادر این داود در یکی از دهات ارنگه و مزور است». پایان کلام بدایع نگار. لکن مخفی نماند که علاوه بر تشتتی که در مطالب این شخص دیده میشود هیچگونه دلیلی بر صحت نسب اخیری که اختیار کرده است بنظر نرسید(۱). و اما آنچه که گوید: بعضی گمان کرده اند الخ، ظاهراً مقصودش شهرتی است که در چهل پنجاه سال قبل بر السنه و افواه بعضی دائر بوده است مبنی بر انتساب این امامزاده داود بحضرت امام همام موسی بن جعفر علیهما السلام، و از دلائل این سخن عبارت کتاب «تذکرة العظیمه»

(۱) رجوع شود به اواخر این رساله که قول جدیدی مشابه اختیار بدایع نگار نقل خواهیم کرد.

صفحه ۷ خاتمه»، تألیف مرحوم شیخ محمد ابراهیم بن شیخ عبدالرحیم النجفی الکلباسی الاشتری است که کتابش بسال ۱۳۴۶ قمری در طهران بطبع رسیده و آنجا گوید: «تنبیه من جمله از امامزادگان محترم که خصوصاً سزاوار است ذکری و بیان حالی از ایشان بشود جناب امامزاده داود علیه السلام است که آن بزرگوار چنانچه منقول از کتاب «عمدة الطالبین» شده نسبت بموسی بن جعفر علیه السلام میرساند و باین عبارت نقل شده: مَن وَرَد الریّ من وُلد حسین بن علی ثم من اولاد جعفر بن [محمد بن] علی بن الحسین منهم من ولد موسی الکاظم بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین ابن علی بن ابیطالب علیه السلام: داود بن موسی بن ابراهیم بن الامام موسی الکاظم علیه السلام، بنابراین بدو پشت بموسی بن جعفر علیه السلام میرسد، وبعضی نسبت امامزاده داود را بحضرت امام زین العابدین نسبت داده اند چنانچه در لوح زیارت نامه که برای آنجناب نوشته شده است نیز ثبت است، و آن بشش پشت و دو واسطه نقل شده است، و قبر شریف او از قدیم زمان الی الآن محل توجه و زیارت عموم مسلمانان و دوستان اهل بیت علیهم السلام بوده از طهران و توابع آن خاصه صلحا و مقدسین توجه کامل ببقعه شریفه آنجناب داشته و دارند که اقلاً [کذا] سالی یکمرتبه بزیارت او مشرف شوند، و جمله از علماء طهران وغیره تبرک و توسل پیدا میکردند بقبر شریف آنجناب» سپس صاحب «تذکرة العظیمیه» کراماتی نسبت بامامزاده داود از مرحوم آقا میرزا محمد حسن آشتیانی مجتهد نامی طهران و مرحوم شیخ عبدالرحیم پدر مؤلف مذکور نقل کرده است. و مخفی نماند که آنچه بواسطه‌ئی از کتاب «عمدة الطالبین» نقل کرده اشتباه و مقصود کتاب «منتقلة الطالبیه» است که عبارت منقول از منتقله است نه از عمدة الطالب، که اولین بار مرحوم حاج ملا باقر واعظ طهرانی در کتاب «جنة النعیم والعیش السلیم فی احوال مولانا عبدالعظیم» صفحه ۵۰۰ طبع طهران سنه ۱۲۹۶ قمری، عین عبارت منتقله را از روی نسخه خطی موجود در طهران بدون تطبیق داود مذکور در عبارت منتقله با امامزاده داود مورد بحث نقل کرده است و اصلاً با اینکه مؤلف جنة النعیم در چند موضع از کتاب خود بعضی از امامزاده های مدفون در ری و طهران و حوالی را معرفی نموده هیچ سخنی از امامزاده داود بمیان نیاورده است.

و فقط داعی او بر نقل آن مطالب اینست که صاحب منتقله گوید اولاد داود بن موسی بن ابراهیم بن موسی بن جعفر علیهما السلام در ری بوده اند، و ضمناً ناگفته نگذاریم که عبارات کتاب «منتقلة الطالبیه» را که صاحب «جنة النعیم» بدون واسطه از روی نسخه خطی آن کتاب و صاحب «تذکرة العظیمیه» مع الواسطه نقل کرده اند در هر دو جا اشتباهاتی بهنگام نقل رخ داده و چون نسخه مطبوعه بسال ۱۳۸۸ از نجف اشرف نیز مأمون از خطا نیست و همه آنها با نسخه خطی موجود در نزد حقیر اختلافاتی دارد لذا ما محصل کلام منتقله را در اینجا مینویسیم و مخفی نماند که مؤلف این کتاب شریف نسابه ابواسماعیل ابراهیم بن ناصر بن ابراهیم بن عبدالله بن الحسن بن علی بن محمد «صاحب نقد الشعر» ابن احمد بن محمد بن احمد بن ابراهیم طباطبا ابن اسماعیل بن ابراهیم الغمر ابن الحسن المثنی ابن الامام الهمام الحسن السبط علیه الصلوة والسلام است که خود در قرن پنجم هجری میزیسته و ساکن اصفهان بوده است و کتاب «منتقلة الطالبیه» را در اواسط قرن پنجم هجری تألیف نموده و در آن سلاسل سادات عظام را که از مدینه منوره خارج و در اطراف و اکناف عالم مسکن گزیده اند معرفی نموده است. باری فقط آنچه غایة الامر از کتاب منتقله مستفاد میشود اینست که گروهی از سادات در شهری خود را از اولاد داود بن موسی بن ابراهیم ابن موسی بن جعفر میدانسته اند، والسلام. دیگر صاحب منتقله نه از آن گروه اسمی برده و نه از احوال و مدفن داود چیزی بیان کرده است، قطع نظر از اینکه وی در پایان کلام خود از ابوعبدالله ابن طباطبای نسابه نقل کرده است که گوید داود بن موسی از منقرضین بوده و در «جریده ری» اولادی برای او ندیده ام. انتهی. واگرچه شیخ الشرف عبیدلی نسابه که زماناً مقدم بر صاحب منتقله بوده است در کتاب «تذکرة النسب» خود گوید اولاد و اعقابی از داود مذکور در ری بوده اند، لکن آن نیز با سخن نسابه مشهور دیگر ابونصر بخاری صاحب کتاب «سر السلسلة العلویه» که پس از این نقل میکنیم چندان سازگار نیست.

بهر جهت، آنچه بنظر ضعیف میرسد اینست که اشخاصی که جناب امامزاده داود مورد بحث را از اولاد و احفاد حضرت امام موسی الکاظم علیه الصلوة والسلام دانسته اند صرفاً باستناد کلام صاحب کتاب «منتقلة الطالبیه» بوده که در این صد سال اخیر یا قدری کمتر این مطلب را شایع کرده اند، اگرچه کلام نسابه بزرگ دیگری که در قرن چهارم هجری میزیسته و تا سال ۳۴۱ زنده بودن او مسلم است، یعنی شیخ ابونصر سهل بن عبدالله بن داود بن سلیمان بن ابان بن عبدالله بخاری در کتاب مهم و بسیار نفیس «سرّ السلسلة العلویة، ص ۶۳ ط نجف اشرف بسال ۱۳۸۱» اندکی دراین باره روشن تر است که گوید: محمد بن داود بن موسی بن ابراهیم بن موسی الکاظم علیه السلام نزیل ری، درگذشت و حال آنکه فرزندی برای او نبود، انتهی. از این سخن دو مطلب بخوبی واضح میشود: یکی آنکه محمد فرزند داود نزیل ری بوده، و دیگر اینکه محمد بلاعقب درگذشته است.

پس از این همه طول و تفصیل که متأسفانه در معرفی صاحب مزار معروف به امامزاده داود مورد سؤال نیز چندان نتیجه بخش نبوده، اضافه میکنیم که یکی از فضلا و علماء سادات نجف اشرف در عصر حاضر آقا سید عبدالرزاق کمونه حسینی که تألیفاتی در تاریخ و انساب دارد، در کتابی که اخیراً بنام «مشاهد العترة الطاهرة وأعیان الصحابة والتابعین» بسال ۱۳۸۷ در نجف طبع کرده است، در صفحه ۹۸ آن کتاب صریحاً مزار داود بن موسی را در همین موضع امامزاده داود، و مزار فرزندش محمد را در ری معین کرده و گوید:

«وفي الريّ قبر محمد بن داود بن موسى بن ابراهيم المرتضى ابن موسى بن جعفر عليهم السلام. قال ابونصر البخاريّ في «سرّ الأنساب»: هو نزيل الريّ، مضى ولاعقب له. وأمّا المشهد المعروف بامامزاده داود، هو قبر داود بن موسى بن ابراهيم المرتضى، الذي يبعد عن طهران فرسخين». پایان کلام سید عبدالرزاق، وخدا کند که مأخذ ایشان در تعیین قبر امامزاده داود جای معتبری غیر از کتب و اقوالی باشد که سابقاً یاد کردیم.

«قول جدید درباره مزار متبرک امامزاده داود علیه السلام»

اخیراً در جائی نسب آن جناب بدین صورت دیده شد که وی: «شرف الدین داود بن عماد الدین یحیی بن جعفر بن نوح بن الحسن الغیلی الیمانی ابن ابی الحسن یحیی الهادی ابن ابی عبدالله الحسین بن القاسم الرسی ابن ابراهیم طباطبا ابن اسماعیل بن ابراهیم الغمر ابن الحسن المثنی ابن الامام الحسن المجتبی ابن امیرالمؤمنین وامام المتقین علی بن ابی طالب صلوات الله وسلامه علیه» است.

این قول جدید شبیه قول بدایع نگار است که سابقاً نقل کردیم، و اینک در توضیح آن گوئیم که: ابوالحسن یحیی الهادی مذکور سر دودمان سادات یمن و امام ائمه زیدیه بوده و بسال ۲۹۸ در بلاد یمن وفات یافته. فرزندش حسن الغیلی الطوری که از کتاب «سیرة الهادی الی الحق یحیی بن الحسین، ط بیروت ۱۳۹۲ ص ۴۰۷» مستفاد میشود در جمادی الاخره (۳۲۲) در معرکه قتالی در منزل راحه یمن بقتل رسیده، و در کتاب «روضة الألباب» معروف به «مشجّر ابوعلامه»(۱) چندین فرزند برای حسن غیلی ذکر کرده و گوید اولادش در جهات زبید اند، انتهی. امّا در میان آنان نوح نام نیست، و در کتب تاریخ و انساب دیگری نیز که در دست این جانب می باشد از نوح بیانی بنظر نرسید، و این «مشجّر ابوعلامه» و کذا کتاب «نیل الحسنیین بأنساب من بالیمن من بیوت عترة الحسنین»(۲) که تسطیر و تکمیل آنست مشهورترین و معتبرترین کتب انساب سادات یمن بشمار روند، که نه در آن دو و نه در کتب نسب دیگر مطلقاً اشاره ئی بنام نوح بن حسن غیلی نشده است، ولکن عدم الوجدان لا یدلّ علی عدم الوجود. وهذا ما عندنا والعلم عندالله سبحانه وتعالی، وآخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین.

حرره المتمسک بولاء العترة الطاهرة، الراجی عفو ربه القوی الغنی المغنی محمد علی بن محمد هاشم الموسوی الروضاتی الاصفهانی، فی غرة شهر جمادی الاولی سنة ۱۳۹۳ وجدّد النظر فیها فی شهر ذی الحجة ۱۳۹۸ حامداً مصلیاً.

---

(۱) تألیف سید حافظ ضابط نسابه محمد ابوعلامه ابن سید امام متوکل علی الله عبدالله مؤیدی حسنی یمنی متوفی در شهر صعده یمن در ماه ذی الحجه ۱۰۴۴ که در غره ماه رجب ۱۰۳۰ از تألیف مشجّر مذکور فراغت یافته است.

(۲) تألیف سید محمد بن محمد زباره یمنی صنعانی متولد در ماه رمضان ۱۳۰۱ در شهر صنعا، از مورخین بزرگ در عصر ما که تألیفات متعدد خوب دارد و عموماً در مصر بطبع رسیده اند.

تکمله پس از فراغت این رساله بنظر رسید شرحی را که عالم فاضل جلیل القدر مرحوم حاج شیخ محمد حسین آیتی برجندی رحمة الله علیه (متولد نیمه ذی القعده/۱۳۱۰ متوفی ۵ ذی الحجه/۱۳۹۱) در کتاب نفیس «بهارستان ص ۱۶۴» پیرامون زیارت امامزادگان نوشته عیناً در اینجا نقل کنیم، باشد که طالبان را مفید افتد و آن مرحوم و راقم این سطور را دعا کنند، گوید:

«بدانکه زیارت قبور اولاد ائمه علیهم السلام و حضور در بقاع مطهره ایشان از امور مندوبه‌ای است که علمای اعلام تصریح کرده‌اند که مستحب است بلکه زیارت مقابر مطلق مؤمنین مستحب مؤکد است. در کتاب «کامل الزیاره» از عمرو بن عثمان روایت کرده‌اند که شنیدم از حضرت امام موسی علیه السلام که فرمود: هر آنکه قادر بر زیارت ما نباشد پس زیارت کند صلحاء از دوستداران ما را تا نوشته شود از برای او ثواب زیارت ما. و ایضاً در حدیث صحیح محمد بن مسلم ثقفی از حضرت صادق روایت کرده که بآن حضرت عرض کردم: آیا اموات را زیارت بکنم؟ فرمود بلی! عرض کردم: آیا آنها میدانند که بزیارت ایشان رفته‌ایم، فرمود: بلی بخدا قسم میدانند و شاد میشوند و با شما انس می‌گیرند. والبته باید مقصود از حضور در نزد قبور صلحاء و علماء و اولاد ائمه بطوری که سیره جهال است نباشد که فقط منظور ایشان تفریح و تماشائی است، بلکه زیارت آنها را وسیله سعادت و از مراتب مودت بدانند که اجر رسالت است و در اوقات حضور در آن بقاع شریفه بعبادت و تلاوت و مذاکره اخبار فضائل و مواعظ و مراثی حضرات ائمه اطهار بگذرانند و شایسته است از کتب ادعیه معتبره همراه داشته باشند و بخوانند، زیارت وارث و زیارت عاشورای حضرت سید الشهداء، و زیارت جامعه را که در همه جا و همه وقت وارد است و زیارت حضرت صاحب الامر (عجل الله فرجه) و نماز جعفر طیار در رسیدن بحوائج و مطالب دنیا و آخرت آثار عجیب دارد. و از برای زیارت امامزادگان بالخصوص سید ابن طاوس در کتاب «مصباح» زیارتی نقل فرموده و این زیارت را اقتباس از زیارات مأثوره کرده و در اینجا مسطور میداریم که در همه جا بتوانند آن امامزادگان را بدان زیارت کنند بعض مرده‌های آنها را و در زیارت مخدرات عصمت زیارتی که از برای حضرت معصومه وارد است مناسبات بخوانند با رعایت مناسبت فقرات آن، والبته شایسته است که با وضو و طهارت باشد. زیارت این است:

زیارت امامزادگان عظام علیهم السلام

بسم الله الرحمن الرحیم

السلام علی رسول الله أمین الله علی وحیه ومستودع حکمته السلام علی أمیر المؤمنین وعلی الطیبین من ذریته والطاهرین من عترته السلام علی جمیع الأنبیاء والمرسلین والملائکة المقربین وعلی جمیع الشهداء والصدیقین وعباد الله الصالحین ورحمة الله وبرکاته. پس داخل روضه شو و بگو: السلام علی جدکم المصطفی وعلی أبیکم المرتضی السلام علی السیدین الحسن والحسین السلام علی النفوس الفاخرة وبحور العلوم الزاخرة والنجوم الزاهرة شفعائی فی الدنیا والآخرة أئمة الخلق وولاة الأمر السلام علی الشجرة الکریمة والدوحة المبارکة العظیمة التی أزهرت ببدائع الحکم ومعارف الدین وأشرقت بأنوار العلم والیقین وأورقت بالمجد والبهاء واستقرت فی مقام أمین وأثمرت بمعاش الوافدین ومطالب القاصدین وأظلت علی رؤوس الفقراء والمساکین ورحمة الله وبرکاته أشهد أن لا إله إلا الله وأن محمداً عبده ورسوله ومصطفاه وأن أمیر المؤمنین علیاً ولی الله ومرتضاه وأن الإمامة فی ولده إلی یوم الدین نعلم ذلک علم الیقین ونحن بذلک معتقدون وفی نصرهم مجتهدون نطلب بذلک وجهه الکریم والفوز بدخول جنة النعیم وأشهد أنکم قلتم حقاً ونطقتم صدقاً ودعوتم إلی سبیل ربکم علانیة وسراً فاز من اتبعکم ونجی من صدقکم وخاب من کذبکم وخسر من تخلف عنکم

أَشْهَدُ بِهٰذِهِ الشَّهادةِ عندكم لأكونَ من الفائزين، أتيتُكم زائرًا وحاجتي عندكم مستودعة والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته. اللّٰهمّ اني انشُدك بدماء المظلومين ونغمة قلوب المجروحين وكربة وجوه المكروبين الذين أخرجوا من ديارهم وهاجروا من اوطانهم فقتلوا جورًا وظلمًا وتجرّعوا الغُصص هضمًا وحلمًا أن تصلّي على محمد وآل محمد وأن لا تدع لي في هذا المقام ذنبًا الّا غفرته ولا همًّا الّا فرّجته ولا غمًّا الّا كشفته ولا دينًا الّا قضيته ولا مرضًا الّا شفيته ولا غائبًا الّا حفظته ولا خوفًا الّا امنتني منه ولا حاجةً من حوائج الدنيا والآخرة لك فيها رضًى ولي فيها صلاحٌ الّا قضيتها ويسّرتها يا ارحم الراحمين ه

ختم شد زیارتی که نگارنده بهارستان برای امامزادگان عظام نقل کرده وسپس کیفیت بجای آوردن نماز در کنار مزارات را ذکر نموده، مَن شاء فلیرجع الیه. و هذا تمام الکلام، والحمد لله وسلام علی عباده الّذین اصطفی محمد وعترته وذرّیته البررة الکرام الاتقیاء ورحمة الله وبرکاته.

ومخفی نماند که در حدود سال ۱۳۷۳ جزوه ئی بنام «داودیه ومدارک آن» طی ۲۷ صفحه مشتمل بر نقشه های متعددی در طهران بطبع رسیده، لازم است یادآور شود که آن جزوه درباره سرگذشت قریهٔ داودیه واقعهٔ در جنب جاده شمیران در قرب قلهک می باشد وربطی به امامزاده داود مورد بحث ما ندارد، والسلام خیر ختام.

بتاریخ شب ۲۹ ذی الحجه ۱۳۹۸ هجری قمری. سید محمد علی روضاتی عفی الله عنه.

از مرحوم آقای حاج شیخ محمدعلی ثقة الاسلام سه فرزند پسر و چهار دختر بوجود آمد پسر اول
مرحوم آقای حاج شیخ مهدی ... [illegible]

هو

«هدیهٔ نجفیه»

«ملقب به گل محمدی»

مشتمل بر سه فصل

۱- در شرح حال مرحوم آقا میر سید محمد مدرس نجف آبادی
[۱۳۵۸ - ۱۲۹۴]

۲- در شرح حال مرحوم آقا سید عبدالله ثقة الاسلام
[۱۳۸۲ - ۱۲۸۵]

۳- در شرح حال مرحوم آقای حاج شیخ مهدی نجفی

«رحمة الله تعالی علیهم اجمعین»

راجیاً ممن نظر فیه الدعاء فی الحیاة و بعد الممات والسلام
حرره الاقل سید مصطفی روضاتی فی سنة ۱۳۹۷ه

مرحوم آیة الله حاج شیخ مهدی نجفی مسجدشاهی ۹۳ ساله شب یکشنبه بیست و نهم ماه صفر یکهزار و سیصد و نود و سه پس از مدتی بیماری و کسالت و ضعف پیری در خانه مسکونی خود در محله مسجد شاه اصفهان وفات یافت و صبح دوشنبه ششم از مسجد شاه تا فرودگاه جنازه آن مرحوم بر سر دست تشییع شد و با هواپیما بمشهد مقدس رضوی منتقل و در حجره مقبرة العلماء قرب دارالسیاده مبارکه دفن شد و مجالس ترحیم متعدد در اصفهان و غیره برگزار گردید. مرحوم معلم حبیب‌آبادی در تاریخ فوت آن مرحوم گفت:

پس معلم سوی جمعی رو کرد — که بُدند از پی سالش پویان
شد در آن جمع یکی تا که گفت — شیخ مهدی بجنان برد مکان

بحمد الله والمنه شرح حالات سه تن از علمای اعلام معاصر اصفهان
علی الله تعالی مقامهم خاتمه یافت و در نگارش این اوراق ۱۵
پانزده روز تمام صرف وقت شد و کمال دقت و نهایت
فحص و تحقیق در تنظیم آن بعمل آمد و چنانچه کلیه
آثار و تألیفات و اجازات آنان مورد مطالعه
و رسیدگی واقع و از بازماندگانشان
پرسش بیشتری شود نتیجه
کتاب مبسوطی فراهم خواهد
شد و فیما ذکرناه
کفایة انتهی

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و عترته الطیبین
الطاهرین و لعنة الله علی اعدائهم و مخالفیهم اجمعین ابد الآبدین
حرره الراجی کرم ربه و غفرانه محمدعلی بن محمدهاشم بن
جلال الدین بن مسیح بن صاحب الروضات
عفا الله تعالی عنهم فی ضحی نهار الخمیس
الخامس من الربیع الاول سنة
الف و ثلثمائة و سبع
و تسعین من الهجرة
فی بلدة اصفهان
تمت

۲

(۱)

ترجمهٔ احوال فقیه علامه آقا میر سید محمد موسوی نجف‌آبادی اصفهانی طاب ثراه

خاندان آقا میر سید محمد عموماً ساکن نجف‌آباد اصفهان بوده‌اند، و نسب آن مرحوم بنحوی که فرزند ارشدش آقای حاج میر سید حسین (مدرس نجف‌آبادی) بنقل از وثائق خانوادگی برای اینجانب اظهار داشت بدین تفصیل است. میر سید محمد بن میر سید حسین بن میر سید اسماعیل بن میر غفور ابن میر مقیم نجف‌آبادی از اعقاب مرحوم میر محمد هادی بن میرلوحی موسوی معروف که پیرامون نسب میرلوحی شرحی در جلد پنجم «مکارم الآثار صفحهٔ ۱۷۶۶» نوشته شده است.

و نیز حسب الاظهار جناب حاج میر سید حسین آنان از عموزادگان عالم بزرگوار مرحوم آقا سید محمد کاظم مرتضوی کروفی (متوفی ۱۳۶۷ در طهران مدفون در قم) ابن میر سید حسین ابن میر سید عبدالله بن میر سید کاظم بن میر مقیم مذکور میباشند که این اسامی را نیز آقای حاج سید حسین مزبور نقل نمود. همچنین معزی الیه تاریخ تولد والد ماجد خود را بنقل از خط آن مرحوم در ظهر نسخه‌ئی از کلام الله مجید بسال ۱۲۹۴ یکهزار و دویست و نود و چهار هجری قمری (بدون ذکر روز و ماه) در قریه نجف‌آباد اظهار داشته و همین تاریخ را در شرح حال مختصری که در آخر حاشیه کفایه آن مرحوم چاپ شده قید کرده‌اند.

میر سید حسین پدر آقا سید محمد در اوانی که آن مرحوم در نجف اشرف مشغول تحصیل بود برای زیارت بدان مکان مقدس رفته و در حدود ۱۳۲۴ قمری در همانجا وفات یافت و در وادی السلام دفن شد. و میر سید اسماعیل در نجف‌آباد مدفون است.

میر سید حسین غیر از آقا سید محمد یک فرزند پسر دیگر داشته بنام حاج سید جعفر که در سال ۱۳۸۱ بلا عقب در نجف‌آباد وفات یافت و همانجا دفن شد.

آقا میر سید محمد تا سن هیجده سالگی در نجف‌آباد و اصفهان مشغول تحصیل بوده و مقدمات و سطوح را نزد فضلای زمان فرا گرفته و اعظم اساتیدش در اصفهان مرحوم جهانگیر خان حکیم قشقائی (متوفی ۱۳۲۸) بوده. پس به نجف اشرف مسافرت و نزد اعاظم علماء آن بلدهٔ طیبه آیات عظام آقا سید محمد کاظم طباطبائی یزدی و آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و آقا سید محمد فشارکی

۱

از مرحوم آقای حاج شیخ محمدعلی ثقة‌الاسلام سه فرزند پسر و چهار دختر بوجود آمد. پسر اول مرحوم آقای حاج شیخ مهدی ... دوم مرحوم آقا ... حسین که در رسالهٔ سابق الذکر گوید ۱۱ ساله بوده بابتلاء بعلتی عظیم یعنی درد گلو در بعضی با آنکه جراحی هم شد رحلت نمود، و وفاتش در محرم ۱۳۱۸ واقع شده و بلا عقب در گذشت و اندوه آن مصیبت پدر را از پای درآورد که هفت ماه بعد از او برحمت ایزدی پیوست.

سوم مرحوم آقای حاج شیخ ابوالفضل نجفی که در دفتر نسب نامه ... الغت گوید «مردیست با مزایای عقل و ادب ... عنایت در شئون زندگانی آراسته، بمراسم و مقتضیات زمانش آگاه بهوش و ذکاء و حسن سیاست اجتماعی ممتاز، موافق با مقررات شریعت اسلامی، متدین و قابل اعتماد، بر تواریخ ملل و حوادث مهمهٔ جهان از گذشته و حال واقف، و از سایر علوم و معارف اسلامی با اطلاع و بر سر هم رفته امروزه در نزد طبقات مردم محترم‌تر و مورد اعتماد تر شخصی از بازماندگان خاندان مسجد شاهیانست و بخصوص اینجانب ذره نگارنده حق صحبت و صداقت دارد، دو مرتبه سفر حج کرده و مسافرتهای متعدد بمشاهد عراق و خراسان نموده باقی اقامتش همه در شهر اصفهان بوده است. تولدش بسال ۱۳۰۹ اتفاق افتاده فعلاً از عمر عزیزش مدت پنجاه و پنج سال میگذرد» انتهی. مرحوم حاج شیخ ابوالفضل از اصدقاء و اعاظم فاضل شهیر مرحوم ملا محمد علی بن ملا محمد حسین خونساری با باسلمان متوفی (۱۹ ج ۱ ۱۳۴۵) والد ماجد عالم فاضل جناب حاج شیخ ابوالفضل خوانساری سلمه الله بوده در طبع و نشر کتاب «لسان الصدق و بیان الحق» آن مرحوم کمال مساعدت و معاضدت را نموده و اهدا ... بعض مؤلف در ص ۲۷۳ که صفحهٔ آخر آن کتابست از مرحوم حاج شیخ ابوالفضل نجفی بیان کرده است. آن مرحوم ظهر روز جمعه ۲۵ ربیع الاول ۱۳۹۴ ... در اصفهان وفات یافت و جنازه‌اش بقم حمل شد و در آن بلدهٔ طیبه دفن گردید و روز دوشنبه ۲۸ مجلس ترحیمش در مسجد شاه از طرف برادر بزرگوارش مرحوم آقای حاج شیخ مهدی و سایر بازماندگان منعقد گردید. از مرحوم حاج شیخ ابوالفضل سه فرزند پسر اول دانشمند فاضل حاج آقا محمد مهریار دوم و سوم آقایان محمدعلی و فضل الله مهریار) و دو دختر باز ماند که مادر همه آنها دختر مرحوم آیة الله حاج شیخ جمال الدین نجفی برادر مرحوم ثقة الاسلام بود.

از چهار دختر مرحوم ثقة الاسلام اول زوجهٔ مرحوم حاج میرزا هاشم کلباسی فرزند حاج میرزا عبدالجواد ابن ملا محمد مهدی بن حاج محمد ابراهیم مجتهد کرباسی دوم زوجهٔ مرحوم حاج شیخ ... الغت سوم زوجهٔ مرحوم حاج میرزا هلال کتابی والد فاضل دانشمند حاج سید بدرالدین کتابی و چهارم زوجهٔ حجة الاسلام آقای ... میرزا سید محمد صادق کتابی سلمه الله تعالی بوده‌اند.

زوجهٔ مرحوم آقای حاج شیخ مهدی نجفی دختر عمش مرحوم آیة الله الحاج شیخ محمدتقی آقا نجفی بود که از او دو فرزند پسر بنامهای آقای شیخ محمد حسن نجفی زاده سلمه الله و مرحوم شیخ محمدعلی که در حیات پدر (در نیمه ماه رمضان ۹۲ ...) وفات یافت و مرحوم آیة الله الحاج میر سید علی بهبهانی در مسجد شاه بر جنازه او نماز گذارد و در رکعت ... بار بخاک رفت، و نیز دو دختر بوجود آمد که یکی زوجهٔ مرحوم شیخ محمدباقر فشارکی فرزند مرحوم آیة الله آخوند ملا محمد حسین مجتهد فشارکی و دیگر زوجهٔ سید محمدرضا ابن سید هادی صدرالعلماء.

و آقا میرزا محمدتقی شیرازی و حاج آقا رضا همدانی و حاج سید اسماعیل صدر اصفهانی و آقا میرزا فتح الله شریعت اصفهانی تلمذ نموده و از خواص اصحاب آخوند و متقرّر درس وی بشمار و علی المنقول دو سه دوره درس اصول آخوند را دریافته و تمام تقریرات درس وی را در دو مجلد (از مباحث الفاظ تا قطع و ظن) برشته تحریر کشیده و نسخه آن از مرحوم صاحب «الذریعة ۴: ۳۸۴» نزد شیخ محمدباقر بن سید ... پایگانی نزیل رانگون دیده است، و از مباحث الفاظ نسخه‌ئی هم در اصفهان نزد آیة الله اردکانی شاگرد آن مرحوم موجود است، که حدیثی به اجزاء.

آقا سید محمد پس از پانزده سال توقف در نجف اشرف و تکمیل تحصیلات خود دو سالی قبل از وفات استادش مرحوم آقای آخوند باصفهان بازگشت و از آن هنگام در عموم مدارس علمی اصفهان، «صدر، سلطان، چهارباغ، جده بزرگ و ملا عبدالله» به بحث و تدریس پرداخت و عموم طلاب و افاضل وجود او را مغتنم دانسته از منبع فیاض دانشش که با تحقیق در عرفیات فقهی و جمع بین اخبار و توضیح مطالب و تنقیح مباحث غامضه اصولی و جودت تقریر امتیازی آشکار داشت بهره ور شدند، و اگرچه آقا سید محمد از بحران شدید وقایع مشروطیت و ابتلاء مرحوم آخوند و اصحابش بمصائب آن پس از شهادت مرحوم حاج شیخ فضل الله نوری ره (در همان سال ۱۳۲۷) بسلامت جسته و بوطن مألوف بازگشته لکن در سی سال آخر عمر سید بزرگوار در داخله ایران دستخوش انواع حوادث و اقسام بلیّات سیاسی و اجتماعی و قتل و غارت و نا امنی و قحط و غلا (بخصوص در سال ۱۳۳۶ ق) توده و بالاخص در ده و یازده سال اخیر که عموم اهل علم و ایمان گرفتار مضایق نو ظهور و طاقت فرسا بوده اند، مع الوصف مرحوم آقا سید محمد پیوسته باشتغالات علمی و وظائف دینی خود سرگرم و بی اعتناء بظواهر فریبنده دنیوی در کمال زهد و ورع و تقوی و قناعت بسر برده و پشت پا بمال و منال پر وبال دار فانی زده است، و در عوض صدها نفر از مستعدین را بسر حد کمال علم و عمل رسانیده و بخصوص پس از فوت مرحوم آیة الله آقا سید محمدباقر درچه‌ئی (در سنه ۱۳۴۲) و پس فوت آیة الله الحاج میر محمد صادق خاتون آبادی (ره) بسال ۱۳۴۸ و از فوت مرحوم آیة الله آخوند ملا محمدحسین فشارکی (در ۱۳۵۳) که سید با این بزرگوار اخیر الذکر و سید عالم جلیل القدر مرحوم حاج سید عبدالحسین سید العراقین (متوفی ۱۳۵۰) کمال انس و الفت و رفت و آمد دائمی داشته، مرجعیت علمی و فتوائی و حکومت شرعیه تقریباً منحصر بآن مرحوم بوده، خود علماً و عملاً مشار بالبنان و جامع جمیع جهات زعامت و مصدر وجوه و امور حسبیه و مورد کمال وثوق مردم اصفهان و غیره گردیده و از عموم طلاب و محصلین با کمال حسن خلق و بشاشت تفقد و تلطف و سرپرستی مینموده است.

صاحب ترجمه بهمان اندازه که دلداده شرعیات و متوغل در آن علوم بود از فلسفه گریزان و از فلاسفه وحشت داشت، چه بسیار از زبان و نگارش ... شنیده بودم، او معتقد بود که تنها راه نجات بشر در پیروی از شرع مطهر است، و راستی در عالم سوای علوم اهل بیت رسول خاتم صلی الله علیه و آله و سلم آموختنی نیست، البته آنچه گفتیم در باب الهیات بود و گر نه راه فلسفه را در این باره بالمرّه تخطئه میکرد و آن را سم مهلک میدانست، و در مسمطی که خود در سنین جوانی سروده نیز باین مطلب اشاره کرده، و در آخر آن گوید:

گه در طلب مال و گهی در طلب جاه — گه در عقب راحت و گه در عقب باه
گه از پی تفریح شتابنده بهر راه — گاهی ز پی قصه خرچنگ و روباه
گه بهر تماشای ریاحین شده چون خار
گه در طلب فلسفه کان عین ضلال است — گه هیئت و تنجیم که خود محض خیال است
گه مطلب لایعنی کان سبب ملال است — این حاصل سی ساله تو وزر و وبال است
آخر سری از خواب گرانمایه تر بردار

مرحوم میرزا احمد معلم حبیب آبادی در ترجمه حالی بر مبنای رساله سابق الذکر در کتاب خود «مکارم الآثار» نگاشته و اسامی تألیفات و تصنیفات آن مرحوم را بتفصیل ذیل آورده است:

«۱- کتاب «آگهی‌های علمی» در آیات و اخبار متضمن کشفیات جدیده. ۲- کتاب «ارائک» در اصول فقه که خود وصف بلیغی از آن نموده، انجام تألیف آن شب آدینه ۲۵ ج ۲ سنه ۱۳۴۴. ۳- کتاب «اساور من ذهب» در احوال حضرت زینب ع. ۴- کتاب «اصول دین» انجام تألیف آن ۵ شنبه ۸ صفر سنه ۱۳۴۷. ۵- کتاب «اندرزنامه» در پند شاگردان مدارس جدیده تألیف آن محرم سنه ۱۳۴۶. ۶- کتاب «الانهار» در اشعار بدائع و مصائب بعربی. ۷- کتاب «انهار» در مطالب متفرقه و احوال برخی از علما، بفارسی، تألیف آن رجب سنه ۱۳۴۳ چنانکه مستفاد از ص ۲۲ آن است. ۸- کتاب ترجمه احوال خود و پدرش که بخط خودش نزد ما حاضر و در صدر عنوان اشاره بدان نمودیم انجام تألیف آن شعبان سنه ۱۳۶۲. ۹- کتاب «جنات» در فقه استدلالی که تمام نشده. ۱۰- کتاب «جنات عدن» در ادعیه و زیارات. ۱۱- کتاب «رد وهابیه». ۱۲- کتاب «سندس و استبرق» در ترجمه منتخبی از کتاب نصر بن مزاحم در وقعه صفین. ۱۳- کتاب «شهاب ثاقب» در تفسیر آیه انا زینا السماء الدنیا بزینة الکواکب. ۱۴- کتاب «عدن» شبیه بکشکول شیخ بهائی بوضع عصر حاضر. ۱۵- کتاب «مرتفق» در راه اصلاح مفاسد عصری. ۱۶- کتاب «نعم الثواب» در سلوک و اخلاق» انتهی.

تعدادی از این تألیفات باهتمام شخص مرحوم مؤلف بچاپ سنگی طبع و منتشر شده است.

عالم فقیه شیخ محمد تقی معروف به آقا نجفی پس عالم زاهد عابد شیخ محمد حسین ثم والد معظم حاج آقا نور الله و حاج شیخ جمال الدین و حاج شیخ اسماعیل که در قید حیات و هفتاد و چهار سال دارند میباشند.

علی الجمله این بنده مقدمات و سطوح و حساب و هیئت را در اصفهان دیدم و شروع بنده در درس خارج خدمت والد علامه اعلی الله مقامه در سنه هزار و سیصد و چهارده (۱) بود و تا شعبان هزار و سیصد و بیست که والد وفات نمود به درسش میرفتم و منفصلاً می نوشتم و آن درس از انفع دروس بود و جمعی از فضلا می نوشتند، و پس از وفات والد اشتغال و افره چندی بنده را از تحصیل عائق شد تا آنکه خدای عز و جل منت نهاد در اوائل سال هزار و سیصد و بیست و پنج بعتبات عالیات تشرف جستم و چهار سال در نجف اقامت کردم و درس محقق جلیل آخوند ملا محمد کاظم خراسانی علیه الرحمه را مواظبت داشتم فقهاً و اصولاً و می نوشتم با ترقیم نظریات خود این بنده، و هم نزد سید علامه نبیل سید محمد کاظم یزدی المنتهی الیه ریاسة الامامیة فی ذلک الاوان تلمذ می نمودم. وی دریائی متدفق بود در فقه و در آن زمان عدیل نداشت و در حسن بیان و جودت تحقیق اعجوبه بود. و این بنده را اجازاتی است از علماء مشافهةً و مکاتبةً اول کسی که بنده را اجازه داد سید علامه مزبور است، دیگر سید فقیه نبیه متبحر سید حسن صدر بن السید العالم صاحب التصانیف الکثیرة رضوان الله علیه بود، و اجازه تامه او بقطر کتابی میشود (۲) و مشایخ خود را تا ثقة الاسلام کلینی قدس الله روحه بیان نموده و از مصنفات بدیعه سید مزبور رسالهٔ بزرگی در درایه شرح وجیزه علامه بهائی اعلی الله مقامه میباشد و رساله کوچکی در حرمت ریش تراشی که بجمیع ادله تمسک جسته است. و از مشایخ اجازه این بنده شیخ الفقهاء ملا محمد حسین فشارکی اصفهانی قدس الله نفسه میباشد، وی مشافهةً اجازه به بنده در نقل حدیث از مشایخش داد و بنده صورت سلسله اجازه را خواستم و او مکتوباً اجازه برادر فقیه خود ملا محمد باقر را فرستاد."

مرحوم حاج شیخ مهدی در اینجا صورت آن اجازه را نقل کرده و بعد گوید:

"و آخر فقیهی که به بنده اجازه داد علامه نحریر میرزا محمد حسین نائینی متوفی در هزار و سیصد و پنجاه و پنج بود، قدس الله روحه الزکیه، مکاتبةً اجازه داد" (۳).

سپس صورت آن اجازه را نیز نقل نموده و مرحوم میرزای نائینی در این اجازه از مجاز مدح و تعریف بسیار نموده و صریحاً او را مجتهد مستنبط دانسته است. بعد از این اجازه در آن رساله اسامی تألیفات مرحوم حاج شیخ مهدی است که تا ماه شعبان ۶۲ نوشته و عن قریب ذکر شود.

(۱) مخفی نماند که آن مرحوم در آن تاریخ تقریباً شانزده ساله بوده است.

(۲) نام این اجازه "اللمعة المهدیة الی الطرق العلیة" است که در "ذریعه ۱۸: ۳۵۴" گوید اجازه نیک و جامعی است و تاریخ آن روز شنبه پنجم صفر ۱۳۲۹ میباشد.

(۳) در مکارم الآثار است که آن مرحوم از آیة الله میرزا محمد عسکری طهرانی نیز روایت میکند.

آقا میر سید محمد در حدود سال ۱۳۵۰ در مدرسه مرحوم ملا عبدالله بتدریس رسائل و مکاسب و کفایه اشتغال داشته و از جمله اصحاب خاص و مورد کمال توجه و احترامش در این دروس یکی والد حقیر مرحوم حجة الاسلام آقا میرزا سید محمد هاشم روضاتی (متولد ۱۳۱۹ در اصفهان متوفی غریقاً در شط الکوفه بسال ۱۳۵۶ مدفون در وادی السلام) و دیگر مرحوم آقا سید زین العابدین ابرقوئی و الآیتین الحاج شیخ مرتضی الاردکانی و الحاج شیخ احمد فیاض و السید العالم الجلیل الحاج سید روح الله الخاتمی الاردکانی بوده اند.

در سنین اخیره هم چنانکه درس بزرگ مدرسه صدر تدریس خارج فقه و عصرها در مدرسه چهارباغ خارج اصول داشته و پیوسته در حوزه های درس او جماعتی کثیره که گاه بالغ بر یکصد نفر میشدند حضور داشته و از جمله آن بزرگان چندتن دیگر را که در عصر ما از علما و مدرسین خوب اصفهان بودند ذکر میکنیم و هم از الحجج الباهره الحاج میرزا علی آقا الشیرازی و الشیخ هبة الله الهرندی و الشیخ حسین المعتمد الهمدانی وهم من اساتیدی الاجلة و الفقیه الحجة السید ابو الحسن الموسوی الشمس آبادی و الشیخ احمد الیزدی و غیرهم من الاعلام الماضین رحمة الله تعالی علیهم اجمعین. و از جملهٔ احیاء العلامة الحجة السید علی العلامة الغافی و السیدین الجلیلین الحاج سید مصطفی و اخوه الحاج آقا مهدی ابنی العلامة سید العراقین و المحقق المدقق الحاج شیخ عباسعلی الادیب الحبیب آبادی و المولی العالم الفاضل الکامل الشیخ محمد جواد الشهیر بالاصولی و الحجة العالم الجلیل الحاج شیخ محمد تقی الفشارکی و غیرهم سلمهم الله تعالی.

و در زمره اصحاب آقا سید محمد (ره) جناب آقای حاج شیخ مرتضی مدرس اردکانی از اعلام علماء کنونی اصفهان شاگرد اختصاصی و مورد توجه آن مرحوم بوده و بایشان اجازه مبسوطه ئی داده و از آنها اجازات دیگری که بعلماء اعلام و اهل فضل داده است زائد بر پنجاه فقره میباشد. و خود آقا سید محمد از مرحوم آیة الله آقا سید محمد کاظم طباطبائی یزدی و مرحوم آیة الله آخوند خراسانی و مرحوم آیة الله حاج آقا رضا همدانی صاحب مصباح الفقیه اجازه داشته که نسخ آنها در دست نسخه صاحب ترجمه در ایام اقامت خود در نجف اشرف با مرحومین آیتین اصفهانی و عراقی بسیار مأنوس بوده همچنانکه با مرحوم آیة الله الباهره الحاج سید جمال الدین گلپایگانی (قدس الله اسرارهم) نیز صداقت تامه داشته و بمشورت آن مرحوم با مخدره ئی نجفیه که خاندانش اینک معلوم نیست ازدواج نموده یک فرزند پسر و چهار دختر از او بوجود آمده که یکی از دخترها وفات یافته و بقیه در قید حیاتند، و فرزند پسر مسمی به آقای حاج میر سید حسین (مدرس نجف آبادی) از معلمین فاضل قدیم اصفهان و سیدی خلیق و متقی و بافضیلت و در همان خانه پدری ساکن میباشد و تاریخ تولدش ۲۸ ذی القعده ۱۳۳۳ ق است.

زوجه نجفیه بسال ۱۳۳۸ ق در اصفهان وفات یافته و پس آقا میر سید محمد (ره) زوجه دیگری از اهالی اصفهان اختیار نموده که از او نیز فرزند پسری بنام آقا سید احمد (متولد ربیع الاول ۱۳۴۱)

ویکنفر دختر بوجود آمده که آنها نیز در اصفهان ساکن و آقا سید احمد از دبیران متدین بشمار میرود.
مادر این دو نیز در ماه رجب ۱۳۹۴ بدرود زندگی گفت.

صاحب عنوان پس از فوت مرحوم آیة الله آخوند ملا عبدالکریم گزی مؤلف تذکرة القبور (در سال ۱۳۳۹ ق) مدتی در مسجد ذوالفقار واقع در بازار اصفهان و پس از فوت مرحوم سید ابوالقاسم سابق الذکر در مدرسه باقلعه اقامه جماعت میفرموده و عامه ناس بفیض حضور در جماعت آن بزرگوار میرسیده اند، و سوای این دو محل گاه در برخی مساجد دیگر نیز امامت جماعت داشته است.

مرحوم آقا سید محمد پس از بازگشت از نجف اشرف (در ۱۳۲۸) تا آخر عمر دیگر موفق بزیارت عتبات مقدسه نگردید ولی دوبار بمشهد مقدس رضوی مشرف شد که یکبار چند روزی میهمان مرحوم آیة الله قمی سیدنا الحاج آقا حسین الطباطبائی (اعلی الله مقامه) از اصدقاء قدیمش بود و در آن سفر وجوه علماء مشهد مقدس از قبیل آقا زاده خراسانی و حاج شیخ عباس محدث قمی و دیگرین (رحمة الله علیهم اجمعین) با آنمرحوم ملاقاتها داشته اند وی دوبار نیز در قضیه مهاجرت علماء و طلبه هم شرکت فرمود.

خانه ئی که آقا سید محمد در تمام عمر در آن زندگی کرد واقع در خیابان نشاط و نزدیک محله باقلعه بود و سوای آن ... خلوتش با ملکی تهیه نکرد، حتی کتاب و کتابخانه ئی هم نداشت. در حدود بیست سال قبل دو مجلد «حاشیه کفایة الاصول» تألیف آن مرحوم بهمت آقای آیة الله اردکانی و آقای حاج میر سید حسین فرزند محشی در اصفهان بطبع رسید. در این دو جلد حاشیه مقدمة التألیف دیده نمیشود لکن خاتمه تصنیف جلد اول (ص ۲۷۵) چنین است:

«قد تمت النسخة الشریفة علی ید اقل خدام الشریعة المطهرة محمد بن حسین الموسوی النجف آبادی فی یوم عیدالنیروز الواقع فی منتصف شهر شعبان المعظم ۱۳۴۲ ... ».

و خاتمه جلد دوم (ص ۲۷۹) که پایان مبحث اجتهاد و تقلید است باین عبارت میباشد:

«قد وقع الفراغ من تسوید هذه الاوراق علی ید اقل خدام الشریعة المطهرة محمد بن حسین الموسوی النجف آبادی فی لیلة الاربعاء التاسع والعشرین من شهر جمادی الثانیة سنة ۱۳۴۲».

نسخه اصل این حاشیه نزد محقق دانشمند معاصر آقای حیدر قلی خان بردسند (دام مجده) که خود نیز از خوشه چینان خرمن علم و دانش آنمرحوم است بوده و آقای حاج میر سید حسین مدرس چنانکه گفتیم آنرا بدست آورده و بطبع رسانیده است. مع الاسف نسخه اصل در اثر بی مبالاتی مباشرین طبع بسیاری از اوراقش ... گردیده. یکی از فضلاء و نویسندگان معاصر در مقاله ئی که در مجله ارمغان (سال ۲۶ شماره ۳) نوشته حاشیه کفایه مذکور را بسیار ستوده است.

او نیز چند سال در نجف بادامه تحصیلات خود پرداخت، و در سال ۱۳۲۹ باصفهان بازگشت. معلوماتش (در طبق اصول مدرسه) قابل تقدیر و همیشه بادامه ... . تا آنکه گوید: «و بهر حال امروزه نیکترو خوشنامترین افراد خانواده مسجد شاهیان شمرده میشود» الخ.

صاحب عنوان در ماه شعبان ۱۳۶۲ اکراماً ... آقا میرزا محمد علی معلم حبیب آبادی صاحب «مکارم الآثار»، رساله ئی ... صفحه) در احوال ... پدرش بفارسی نگاشته که اینک نسخه ئی از آن حاضر و در نظر است و مطالبی را از آنجا در این دو جزوه می آوریم. هفت صفحه از آغاز رساله در شرح حال والد آنمرحوم و ۱۳ صفحه دیگر در احوال خودش میباشد، و در ابتدای ترجمه والدش گوید:

«مرحوم والد حاج شیخ محمد علی عالمی متقی ... فقیهی مسلم بود» تا آنکه گوید: «در حدت ذهن و قوت حفظ و استقامت سلیقه و لطف قریحه و حسن خلق و لین عریکه و بشاشت رو در او مجتمع بود با سخاوت و وفا و حلم و حیائی که خود را ذخیره نماید» الخ. و در این رساله تاریخ ولادت پدر را دوم ... یا ع ۲ سنه ۱۲۷۱ در اصفهان از بطن یکی از صبایای مرحوم آقا سید صدر الدین عاملی ... را نیز در اصفهان بعارضه سکته در شب سه شنبه چهارم شعبان ۱۳۱۸ قید کرده است.

مرحوم حاج شیخ محمد علی مشهور بثقة الاسلام فرزند مرحوم حجة الاسلام حاج شیخ محمد باقر (متولد ۱۲۳۵ متوفی ۱۳۰۱) فرزند مرحوم آیة الله شیخ محمد تقی بن محمد رحیم رازی اصفهانی صاحب حاشیه معالم است و شرح حال آنان و سایر رجال این خاندان اجمالاً در کتاب «زندگانی آیة الله چهارسوقی» تألیف این ضعیف بطبع رسیده.

بالجمله، مرحوم آقای حاج شیخ مهدی در شرح حال خود در آن رساله چنین نگاشته است:

«این بنده مهدی بن الشیخ محمد علی بن الشیخ محمد باقر بن الشیخ محمد تقی عفی الله سبحانه عن جرائمهم، مولدم در اصفهان اواخر شعبان در وقت فجر یا قریب بآن والشمس فی سرطان، کما رقمه الوالد العلامة اعلی الله مقامه، سنه هزار و دویست و هشتاد و هشت هجری بوده[1] مادرم فاطمه ملقبه بعمیزا بیگم از مؤمنات قانتات ذاکرات خائفات بوده» تا اینکه گوید:

«مادرش خدیجه سلطان بیگم از اعیان سادات رضویه است» ... تا آنکه گوید:

«پس هم از طرف پدر و هم از طرف مادر نسب این بنده باهل بیت نبوت صلوات الله علیهم متصل است زیرا مادر پدر و مادر مادر بنده از ساداتند. پدر مادر بنده ملا محمد ابراهیم از اعیان تجار قزوین بود مرحوم جد این بنده را شش پسر بود، اعلم آنها والد بود و اکبر آنها ...

(۱) مرحوم آقای حاج شیخ مهدی بعداً شفاهاً بمرحوم معلم حبیب آبادی گفته است که ۱۲۸۸ سهو از نوشته شده و بدون شک سنه ۱۲۹۱ که از ابتدا ... داشت قمری میباشد و مرحوم معلم این ترجیع را در آنجا از نسخه نوشته است، اگر چه این ضعیف از مرتبین شنیدم که بار خود وی تولدش را در ۱۲۹۹ امیداً ... .

جلیل القدر متوفی ۷ حجه ۱۳۷۰ در آن داخل شدند) مواقع دیگر نیز این دو بزرگوار پیوسته با یکدیگر رفت و آمد داشتند و این بنده از مجالستشان محظوظ بودم. بعد از فوت مرحوم جد(۱) نیز تا اواخر عمر آنمرحوم گاه بفیض دیدارش نائل میشدم. او هیچگاه و در هیچ شرائطی رفتار شخصی خود را تغییر نداد و طرز معیشت و زندگانیش در تمام عمر یکسان بود. از فقه آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین و معارف حقه سیر نمیشد و خستگی حس نمیکرد، و بسیار دیدم که مطالب علمی تخصصی را از متخصصین هر علم و فن سؤال میکرد و بدقت گوش میداد و می پذیرفت، درست مانند یکنفر دانش آموز، اما در بحثها داخل نمیشد از ترس انجرار بجدال.

از جمله خدمات دیگر ارزنده آن مرحوم شرکت در امر تأسیس و ساختمان حسینیه معروف باصفهانیها در کربلای معلی و نیز حسینیه عظیم دیگر در مشهد مقدس که تا اخر عمر از کارهای آنجا غفلت نداشت و از روی کمال علاقه و ایمان در خدمات مربوطه کوشش میکرد.

باری فضائل آنمرحوم بسیار است و هر کس از عالم و زاهد و خویشاوند و دوستانی که بخدمتش میرسیدند هر یک خاطراتی از او دارند که بهمین مقدار در اینجا بسنده می کنیم. قدس سره.

دانشمند شهیر مرحوم حاج میرزا محمد باقر الفت(۲) پسر عم و برادر زن مرحوم آقای حاج شیخ مهدی در شرح حالی که برای آن عالم ربانی در «دفتر انساب خانوادگی» خود نوشته و تاریخ تحریر آن قسمت (اوائل ۱۳۶۴) میباشد درباره آن مرحوم گوید:

«حاج شیخ محمد مهدی نجفی ارشد و اکبر اولاد حاج شیخ محمد علی ثقة الاسلام، از عهد کودکی بحسن تربیت و کمال مراقبت پدرش مشغول تحصیل علوم شریعت بود و پس از

---

(۱) آقای چهارسوقی ساعتی پس از نیمه شب پنجشنبه ۱۲ ج ۱ / ۱۳۷۷ بعالم باقی منتقل گردید، روز پنجشنبه اصفهان تعطیل عمومی و عزای همگانی برقرار گردید، مرحوم آقای حاج شیخ مهدی در تشییع جنازه از چهارسوی شیرازیان تا مسجد شاه با پای پیاده شرکت کرد و خود در مسجد بر آن نماز خواند. از مسجد شاه نیز تا دروازه تهران که مسافتی طولانی است تشییع شد و از آنجا ببلده طیبه قم حمل و مرحوم آیت الله العظمی آقای حاج آقا حسین الطباطبائی البروجردی اعلی الله مقامه مجددا بر آن نماز خواندند و پس جنازه به نجف اشرف برده شد و در وادی السلام در جوار عم والا مقامش آیت الله آقا میرزا محمد هاشم چهارسوقی بخاک سپرده شد.

(۲) یکروز که بدیدار مرحوم الفت رفته بودم بکتیبه فرمودند و نفر تنها و فردی از چهار دور مانیم که در انتساب بچهار جد عالیقدر شرکت داریم: الشیخ جعفر کاشف الغطاء [illegible] الدین العاملی و الشیخ [illegible] صاحب حاشیة المعالم والحاج میرزا زین العابدین والد [illegible] ، همان چهار سلسله که آن مرحوم یک مجلد کامل در اسامی فروع و اعقاب ایشان تا زمان خود نگاشت و اینجانب تکمیل کردم و الحمد لله رب العالمین. ولادت الفت ۲ ج ۱ / ۱۳۰۱ ، رحلت ۲۶ ج ۱ / ۱۳۸۳ هـ.

سوای «تقریرات مرحوم آخوند» و «حاشیه کفایه» که ذکر شد، یک رساله در «قاعده لاضرر» و یک رساله در «ترتب» و رساله ئی در «استصحاب کلی» و حاشیه ئی بر لباس مشکوک مرحوم آقا سید محمد فشارکی که از تألیفات مرحوم آقای نجف آبادی در دست است ولکن مطلقا هیچ نوع رساله عملیه و حاشیه بر آنگونه رساله ها ننوشته و در این کار [illegible] نداشته است. لباس مشکوک آن مرحوم رساله مهمی است و استصحاب کلی تقریرات درس مرحوم آقا میرزا محمد تقی شیرازی است که جناب میرزا یک درس مختص برای آقا سید محمد و آیت الله حاج آقا حسین قمی و آقای سید [illegible] ظرف چند ماهی در سامرا میفرموده و سید تقریرات مذکوره را نوشته [illegible] آنرا پسندیده [illegible] و چند نسخه از آن موجود است.

مرحوم آیت الله آقا سید محمد، در این اواخر مبتلا به سینه دردی شدید بود که قریب یکسال او را از درس و بحث باز داشت و بالاخره بهمین کسالت از دنیا رحلت کرد. تاریخ وفاتش را جد امی اینجانب مرحوم آیت الله الحاج میرزا سید حسن چهارسوقی (متوفی ۱۳۷۷) که خود نیز همانند آنمرحوم متولد (۱۲۹۴) و با یکدیگر کمال انس و صداقت را داشته اند، در یکی از تقاویم آن سال در همان روز وفات چنین قید کرده اند:

«فوت مرحوم آقای سید محمد نجف آبادی لیله شنبه ۲۵ ذی القعده ۱۳۵۸»،

که این تاریخ مطابق ۱۵ دیماه باستانی ۱۳۱۸ شمسی هجری بوده، و با وجود شدائد و مضایق زمان جنازه آنمرحوم را متجاوز از ده هزار نفر بر سر دست از خانه تا تخت فولاد (مزار عمومی اصفهان) تشییع و در جوار مزار صدیق شفیق با اخلاص خود مرحوم سید العراقین در تکیه ای داخل بقعه دفن نمودند و چند روز مجالس ترحیم متعدد برای آن بزرگوار منعقد گردید. شنیده شد که مرحوم آیت الله الحاج میر سید علی مجتهد نجف آبادی اعلی الله مقامه (متولد حدود ۱۲۷۵ متوفی ۱۳ صفر ۱۳۶۲) در تشییع جنازه آن مرحوم بنهایت پریشان و بی اختیار می گریسته است.

این دو بیت در تاریخ فوت آقا میر سید محمد بسال هجری شمسی سروده شده:

گشودی مرغ روحش زین جهان پر ... غمین شد قلب عالم دیده ها تر
بسال و ماه فوتش هاتفی گفت: ... مدرس رفته دی نزد پیمبر

مضافا تا گفته نگذاریم که گرچه گفته اند «لکل زمان دولة و رجال» اما دولت رجال حق تأثیر آن از مرز زمانها در گذشته و به ابدیت پیوسته است، و آقا سید محمد نجف آبادی نیز یکی از آنهاست که هنوز هم هر روز نامش در حوزه های علمیه اصفهان و غیره

بر سر زبانها و آراء و افکارش در السنه و افواه ساری و جاری است. رحمه الله تعالی رحمة واسعة

در نگارش این شرح حال علاوه بر اطلاعات و یادداشتهای شخصی از مذاکرات جناب آقای اردکانی و جناب حاج آقا حسین مدرس کفرانی و جمعی دیگر از علماء و دانشمندان معمر اصفهان استفاده شد و کتابهای مکارم الآثار و مقامات معنوی هر دو تالیف مرحوم معلم حبیب آبادی و در تذکرة القبور آقای حاج سید مصلح الدین مهدوی و خاتمه حاشیه کفایة الاصول نیز مراجعه گردیده است

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

آمد و اعتراض کرد، بعد هم چای آوردند آبلیمو طلبید، در سه قطره آبلیمو روی زمین ریخت بسیار ناراحت شد، مثل اینکه مالی را تفریط کرده باشد، اصرار داشت بهای چند قطره آبلیمو را بدهد و آخر با حلالیت لفظی طلبیدن اکتفا نکرد. اینها همه حالت واقعی بود نه تصنعی، شاید اگر اینقدر باریک بین نبود رهبر کل بیش یا افتاده اهمیت نمیداد در ترقیات بیشتری داشت و خدمات بزرگتری از او بظهور می پیوست. مع الوصف مجموعاً مرحوم حاج شیخ مهدی شخصی بلکه شخصیتی بود که همه طبقات مردم با احترام زیاد می گذاردند و حالاتش را تحسین مینمودند و منکر نداشت و مدة العمر بکسی آزاری نرسانید، و اگر چه در مقام ریاست مداری و بلند پروازی نبود اما خواه ناخواه رئیس بود، رئیس العلماء و مرجع الفضلاء و مقتدی الانام و مطاع الحکام والعلماء.

هر چه کتاب داشت در کتابخانه مدرسه پدرش گذارده بود و طلاب محترمی که همواره در مدرسه ساکن بودند از آنها استفاده میکردند، و خود نیز در آن مدرسه درس میگفت و معاش طلاب را هم اداره میفرمود. آن مرحوم با کمی عمر نود و پنج ساله که بیشتر حواس و مشاعر خود را تا روزهای واپسین حفظ کرده بود پیوسته در دانش اندوزی و تالیف کتب و رسائل متنوعه و درس و بحث و اقامه جماعت در مسجد شاه و حتی گاهی منبر و موعظه پس از نماز و انواع خدمات دینیه و اقدام ترویج احکام شرع مطهر و اعزام مبلغین باطراف بلاد در قراء و قصبات و بطور خلاصه در کلیه اموری که از یک نفر مجتهد کامل انتظار هست کوشا بود و از هیچ کار مثبتی شانه خالی نمیکرد و همیشه احساس مسئولیت مینمود. در زندگی شخصی هم بسیار مقتصد و به اقل یا تقنع میساخت و مطلقاً طالب زر و زیور و مال و منال و تجمل و تکلف نبود و این امور را حقیقة منکر و قبیح می دانست. نماز جماعت او در ماه مبارک رمضان هر سال بی نظیر بود، در روزهای قدر صفوف جماعت از محوطه بسیار وسیع مسجد شاه در گذشته تا اواسط میدان شاه کشیده میشد.

از جمله خدمات عظیم آن مرحوم اقدام در ترجمه و طبع و نشر «توحید مفضل» بزبان فارسی بود که در حدود بیست سال قبل با صرف مبلغ هنگفتی باین کار توفیق یافت.

مرحوم آقای حاج شیخ مهدی را اینجانب بسیار میدیدم، با جد امجد اینجانب مرحوم آیت الله الحاج میرزا سید حسن چهارسوقی الفت کامل و مراوده دائم داشت و بایشان نهایت کمال وثوق و اطمینان مینمود و همواره در مقاصد دینیه مشورت میکرد. علاوه بر شرکت مستمر در جلسات روزهای پنجشنبه انجمن علمیه اصفهان که در بدو تاسیس آن بسال ۱۳۶۱ بسعی و با حزم و احتیاط زیاد خود در تشکیل مرحوم آقای حاج شیخ اسماعیل نجفی عالم کامل



(۲)

ترجمه احوال عالم فاضل بزرگوار
آقا سید عبدالله مدرس صادقی ثقة الاسلام
قدس الله تعالی سره

خاندان جلیل میرمحمد صادقی از سلاسل سادات معظم و مشهور اصفهانند که این شهرت آنان بانتساب بیکی از اعلام اجداد شان مرحوم میرمحمد صادق بن میرمحمد باقر است و شجره نسب آنها یکی از معتبرترین مشجرات نسب سادات این شهر و مرتب و مضبوط میباشد و عمود نسب و اسامی فروع این خاندان چند بار بطبع رسیده، از مختصات آنان عموماً استقامت مزاج و طول عمر و کثرت اولاد و شیفتگان و نجابت و عفاف است.

راقم این سطور سالهای متمادی با جمعی از اجلاء معمرین علماء این دودمان آشنائی و معارفت و رفت و آمد داشته و از فیض دانش و کمال آنان بهره ور بوده ام، از قبیل همین مرحوم آقا سید عبدالله معروف بآقای ثقة الاسلام و چندتن از برادران آنمرحوم. و از احیاء ایشان عالم فاضل و محقق مدقق کامل العلامة الحجة الحاج سید عبدالحسین مشهور بآقای طیب که علاوه بر اشتغال دائمی بدرس و بحث و وظائف شرعیه از قبیل امامت جماعت مرتب و افاضات منبری چندین کتاب مفید نیز برشته تحریر کشیده که اهم از همه تفسیر فارسی "اطیب البیان" است که تا این تاریخ (اخیر روز ماه صفر ۱۳۸۷) بیست و هفت جزء از قرآن کریم را تفسیر کرده و مشغول بقیه است، وفقه الله لاکماله بمحمد و آله ع، و زائد بر ده مجلد آن الی الآن بهمت شخص این سید والامقام بطبع رسیده و منتشر شده است. نژاد آقای طیب بمیر باقر پدر میرمحمد صادق منتهی میشود.

و اما صاحب ترجمه بنظر میرسد که اشهر و اعظم افراد این دودمان من القدیم الی الآن بوده و از حسن معاشرت و اخلاقی که داشت با عموم علما و دانشمندان این سامان کمال مصادقت و ملاطفت را مبذول و لذا ترجمه احوال او ولو مجملاً در لسان بسیاری از کتب این فن داخل گردیده و مقتضی است که در آغاز این شرح حال چند بیت را که خود آن مرحوم حسب حال خویش سروده و ضمن ترجمه اش در تذکره شعرای معاصر اصفهان بچاپ شده نقل کنیم، و آن هذه:

اگرچه پیر شدم نارسیده ام بمراد — چو من فلک نزده دور جهان بزار دیاد
بعمر خویش ندیدم خوشی ز دور جهان — شبانه روز همی نالم و کشم فریاد

ترجمه احوال عالم الجلیل المعتمد فقیه نامدار
مرحوم آقای حاج شیخ مهدی نجفی مسجد شاهی
رحمة الله تعالی علیه

این بزرگوار از اقارب و ارحام اینجانب است، پدرش مرحوم آقای حاج شیخ محمد علی (اعلی الله مقامه) برادر جده امی والده ام بود، و خود یکی از قدیمترین رجالی است که بخدمتش رسیده ام، و اگرچه بپایه مقام علم و فضل او مانند سایرین همیشه برایش احترام خاصی قائل و آنمرحوم را نیز لطفی و توجه و عنایت در حق این ضعیف بود ولکن در بیان ترجمه اش باید خاطر نشان سازیم که وی دارای حالات در روحیات خاصی بود و برخلاف مرحوم آقا سید عبدالله ثقة الاسلام که بخوش مجلسی و شیرین سخنی شناخته میشد وی در عموم مجالس و محافل حالتی جدی داشت و اهل مزاح و مطایبه نبود تا چه رسد بپرداختن بکلام باطل و بیهوده و اتلاف وقت و یا غیبت و تهمت و تفحص و تجسس در امور دیگران، اگرچه سایر علماء اعلام و بزرگانی که دریافتیم جملگی از این عیوب مبرا و بمحاسن آداب و مکارم اخلاق متصف بودند.

شنیده شد روزی در جلسه درس مرحوم آقای آخوند خراسانی بحث طلب و اراده بجاها باریک کشیده که ناگاه مرحوم آقای حاج شیخ مهدی بصدای بلند میگوید مجلس معصیت شد، و بیدرنگ برخاسته و خارج میشود. دیگر یکی از فضلاء میگفت روزی آنمرحوم بخانه ام آمد بدرب اطاق که رسید نگاهی در آن افکند، چند قفسه کتاب جلب توجهش را کرده خواست داخل نشود و گفت آمدن در این اطاق اشکال دارد، اینهمه کتاب را اینجا جمع کرده اید برای چه منظوری، بزحمت او را قانع ساختم که بان کتب احتیاج داشته و در طول زمان یک یک آنها را با مشقت گرد آورده ام و الحال نیز دائماً مراجعه میکنم، آخر سر بکراهت ساعتی آمد و نشست.

فاضل موثق دیگری نقل کرد در سالی قبل از فوت او مبلغ قابل توجهی پول نقد برای آنمرحوم بردم و گفتم این را شخصی تبرعاً برای شما فرستاده است، با اینکه ظاهراً احتیاج داشت قبول نکرد و پس از مبالغه و اصرار فقط متعهد شد که او محتاجانی که می شناسد معرفی کند و من خود متصدی پرداخت مبلغ تعیین شده بدانها گردم.

دیگر ده سال قبل اینجانب از سفر حج بازگشته بودم، آنمرحوم مطلع شده و بدیدن آمد، در کفش کن بیرون اطاق قطعه فرش مستعملی انداخته بودند، بنظرش اسراف

من از نخست که تاریخ طالعم دیدم | یقین خویش شدم من بمیرسم بمراد
تمام صفحه ملک عراق گردیدم | ز کربلا و نجف شهر کوفه و بغداد
طبیب درد ندیدم ز انس و جان و ملک | اگرچه هر که بود مدعی منم استاد

چو از معالجه نفس خود شدم مأیوس
بدهر یل گفتم که هر چه بادا باد

فاضل مورخ محقق میرزا محمد علی معلم حبیب آبادی (رحمه الله تعالی) که خود یکی از اصدقاء مرحوم ثقة الاسلام بود شرح حال وی را در وقایع سنه ۱۲۸۵ قمری (۱۲۴۷ شمسی) کتاب «مکارم الآثار» چنین آورده:

«تولد آقا سید عبدالله ثقة الاسلام اصفهانی. وی فرزند مرحوم آقا سید محسن بن میر محمد صادقی است.
آقا سید عبدالله از علما و فقهاء اصفهان در عصر حاضر است و در احوال علما و مشایخ و رجال و تاریخ در میان علماء این شهر امتیازی بیّن دارد، و او در یکشنبه ... دهم ماه ربیع الآخر این سال (مطابق ... اسد ماه برجی) متولد شده، و در اصفهان و عتبات تحصیل نمود، و اینک از وجوه علماء اصفهان می باشد، و در محله نو ساکن و در مسجد رحیم خان امامت می نماید و کتب چندی تألیف کرده از آن جمله کتاب «ارشاد المسلمین بسوی اولاد امیرالمؤمنین ع» در سلسله سادات میر محمد صادقی که خودم از آن طایفه است، انجام تألیف آن آدینه ۱۴ ع۲ سنه ۱۳۴۵ و ما آن نسخه را از روی نسخه خط مؤلف بخط خود استنساخ نمودیم و در این کتاب بسیاری از آن نقل نموده و می نماییم و فوائد چندی مانند مشافهات خود مؤلف از آن در احوال علما برده ایم، لکن بسیاری از اغلاط واضحه در آن واقع شده چنان که در حاشیه که بر آن نوشته ایم آنها را توضیح و تصحیح کرده ایم. و وی را اینک چندین نفر فرزند از زنهای مختلف موجود است که برخی بتحصیل علم مشغول و پاره ئی در ادارات دولتی بکار رانند(۱) پایان سخن مکارم الآثار.

(۱) افسوس که جناب آقای ثقة الاسلام در صبح روز دوشنبه ششم ماه صفر المظفر سنه ۱۳۸۲ قمری مطابق ۱۸ تیرماه باستانی سال ۱۳۴۱ شمسی در اصفهان وفات کرده و همان روز جسد او را از خانه خود [illegible] تکفین و حمل بمسجد مرحوم آقا میر سید حسن (رحیم خان) بردند و آقای حاج سید ابوالحسن شمس آبادی با جمعیتی کثیر بر آن نماز خواندند و سه ساعت بعد از ظهر آن را با تشییعی عظیم حرکت داده و در تخت پولاد در جوار تکیه ملک دفن کردند و در روز سه شنبه در همان مسجد مجلس فاتحه مهمی برایش گرفتند و این فقیر قصیده ئی در تعزیت و تاریخ او گفته ام که آخر آن این است:

سادس ماه صفر روز دوشنبه چاشتگاه | روح پاکش کرد اندر عالم علوی مکان
از پی سالش معلم رفت اندر انجمن | تا بپرسد از رجال علم [illegible] سال آن
ناگهان آمد یکی از انجمن بیرون و گفت | سید عبدالله رفت از این جهان اندر جنان

و پس از وی از دو زن فرزندانی چند از او مانده که ارشد آنها جناب آقا سید محمد کاظم از زوجه نخستین او است که از علما و از نیکان [illegible] پدر بزرگوار برقرار است و مادر او وفات کرده که پس از فوت وی آن مرحوم زوجه دیگر را تزویج نموده بود.

سنه ۱۳۱۶ «مکارم الآثار» که بطبع رسیده (ج ۲ ص ۵۸۰) ذکر شده، و اسامی هشت نفر فرزندان مرحوم آقا سید محسن (والد مرحوم ثقة الاسلام) برحسب شجره نامه مطبوعه خانوادگی آنان بدین شرح است ۱- آقا سید عبدالله ثقة الاسلام ۲- آقا سید علی نقی ثقة الشریعه ۳- حاج سید علی اکبر ۴- آقا سید حسن ۵- حاج سید علی محمد مدرس (وکیل) ۶- آقا سید حسین ۷- آقا سید باقر و ۸- آقا سید جعفر که عموماً اهل دانش و بینش و فضل و کمال و قدس و ورع بوده‌اند رحمهم الله معشر الماضین. و از غالب این سادات بزرگوار و بنی الاعمامشان اولاد و اعقاب بسیار در اصفهان و شهرهای دیگر موجود و بعناوین «مدرس، صادقی، میر محمد صادقی و غیرها» شهرت دارند.

راجع بمرحوم آقا سید عبدالله ثقة الاسلام شایسته است اضافه کنیم که آن مرحوم از جمله اعضای محترم هیئت علمیه اصفهان که در سال ۱۳۶۱ تشکیل شده بودند و این هیئت که مرکب از بزرگان علمای زمان بود سالها در هر هفته روزهای پنجشنبه در خانه اعضا منعقد و بخصوص در سالهای اول خدمات دینی و اجتماعی مهمی از آن صورت گرفت، مرحوم ثقة الاسلام در عموم جلسات شرکت میفرمود و با مسرت خاطر و بشاشت وجه و علاقه وافر بکارهای علمی و دینی که از مختصات آن مرحوم بود دیگران را مستفیض میفرمود، و در مسجد رحیم خان نیز کرامات داشت بسیاری از ایام و لیالی مؤمنین را از فراز منبر محظوظ و بهره ور میساخت و غالب اهل محل مشتاقانه گرداگرد منبر افاضه اش مجتمع میشدند، و بطور خلاصه وجودش آمر بمعروف و ناهی از منکر و سدی سدید در مقابل اهل فسق و فجور بود. رحمه الله تعالی رحمة واسعة.

بخاطر دارم روزی با آن مرحوم صحبت از درگیریهای محدث نوری با صاحب روضات میکردم ثقة الاسلام فرمود من خود شخصاً در این باره با مرحوم حاجی مذاکره نمودم و علت آنهمه حملات شدیده را جویا شدم و تفصیلی در این باب نقل فرمود که در این وجیزه جای ذکر آن نیست.

از طرائف اموری که مرحوم ثقة الاسلام در «لؤلؤ الصدف» مدارس علمیه نجف اشرف را یک یک برشمرده لکن اسمی از مدرسه مرحوم آیة الله آقا سید محمد کاظم یزدی اعلی الله تعالی مقامه در میان نیاورده و لذا مرحوم شیخ [illegible] رضا ابوالمجد در هامش نسخه اصل سابق الذکر بخط خود چنین نوشته است: «مدرسه آقا سید محمد کاظم عمداً یا سهواً از قلم حضرت مؤلف ساقط شده»، و کلمه عمداً اشاره است باینکه چون آن مرحوم در فتنه مشروطه در جزو اصحاب خاص آخوند خراسانی و از معاضدین [illegible] او در آن واقعه شوم بوده لذا با صاحب [illegible] که بهیچ روی داخل در آن فتنه نگردیده و سر سازش نداشته و آثار او را نادیده گرفته است، والله العالم. اعاذنا الله تعالی جمیعاً من الشر و الفتن بحق النبی و آله الطیبین الطاهرین صلوات الله علیهم اجمعین.

است واقع شد». پس واقعه بازشدن ناگهانی دروازه شهر نجف اشرف را بروی زوار عرب از طایفه هیس ومناقشه مأمورین سنی مذهب را در وقوع این کرامت علوی نقل نموده گوید:
«تا آنکه شبی از شبها جماعتی از اعراب که بزیارت آمده بودند ساعت رو دنیم از شب گذشته رسیدند بدروازه، چون باب را مسدود یافتند با آن شدت تعب که از راه رسیده بودند بنای ناله وفریاد را گذاردند ودائم خطاب بحضرت امیرالمؤمنین ع میکردند که شما فتح باب بجهت اعراب هیس فرمودید با اینکه آنها در ولایت بودند، ما ها از راه رسیده خسته از بیابان وهوای سرد می آئیم، این الفاظ را دائم تکرار میکردند و گریه و ناله مینمودند. یکی از علمای اخیار که خودش در داخل ولایت ایستاده بود وبحال این زوار دل میسوخت از جهت خود حقیر راقم الحروف نقل کرد گفت دیدم خط مستطیل روشنی از حرم مطهر کشیده شد تا دروازه و آواز بلندی بگوش رسید که ناگهان جنبان دولنگه در بدیوار خورد که زمین وزمان بلرزه آمد وعمارت ... رد شد بر بالای هم ریخت وعمارت تحتانی شکست خورد چنانچه گویا با شمشیر او را قطعه قطعه کرده بودند و آهن ... های پشت در تمام برهم پیچیده شد، چفت و کلیدها آهنی رد تا شده پس زوار داخل شدند و مردم از خانه ها بیرون آمدند و تماشای در و خرابی آن ... میکردند و معاندین رقعه سابق را تصدیق کردند و از سنی و شیعه کسی منکر او نشد، مؤلف گوید خود حقیر آن عمارت خراب و شکستهای دیوارها را دیدم تا سالهای سال همین قسم باقی بود تا آنکه دوازده سال از آن تاریخ گذشت مأمورین دولت عثمانی آنرا خراب کردند» انتهی.
در خاتمه شرح حال مرحوم آقا سید عبدالله ثقة الاسلام بنظر رسید آنچه را که مرحوم آقای معلم در وقایع سنه ۱۳۲۸ ق «مکارم الآثار» راجع بمرحوم آقا سید محسن پدر آنمرحوم نگاشته است نقل کنیم تا زوایای دیگری از احوال صاحب ترجمه وخاندانش روشن شود، بدین شرح: «وفات مرحوم آقا سید محسن بن میر محمد صادق ره - وی فرزند مرحوم آقا میر محمد باقر[۳۹] (۱۲۱۶) و خود از علماء و فقهاء اصفهان بود ولطوری که در «ارشاد المسلمین ص ۵۴ نسخه خطی اینجانب» نوشته در هفت سالگی مشغول بتحصیل شده و پس از دریافت بعضی از علوم در اصفهان روانه عتبات گردید و آنجا چندین سال در خدمت چندین نفر از علما از آن جمله شیخ انصاری درس خواند و در سنه ۱۲۸۴ باصفهان برگشت و به امور منبر و محراب و تألیف و تدریس پرداخت ... چندین کتاب تألیف کرد از آن جمله شرح مبسوط بر دره بحر العلوم. و آخر در دوشنبه ششم ماه جمادی الاولی امسال [۱۳۲۸ ق] مطابق ۲۶ ثور ماه برجی [۱۲۸۹ ش] وفات کرد و در تخت پولاد در بقعه روی قبر عموی خود آقا میر محمد حسین (۱۲۸۸) دفن شد و هشت نفر پسر باقی نهاد». پایان موضع حاجت از مکارم. توضیحاً میر محمد باقر ۳۹ مرقوم شرح حالش در وقایع

ونیز در کتاب «مقامات معنوی» مرحوم معلم حبیب آبادی (ذیل وقایع سنه ۱۲۸۵) چنین آمده:
«تولد جناب آقا سید عبدالله ثقة الاسلام دام ظله. او است فرزند مرحوم آقا سید محسن بن میر محمد باقر بن میر سید علی بن میر محمد باقر بن میر اسمعیل واعظ ابن میر ابو صالح بن میر عبدالرزاق بن سید محمد بن سید ابو المعالی بن سید شمس الدین محمد بن سید عبدالرضا بن سید ابو الفتح محمد بن سید مهدی بن سید تاج الدین علی بن میر شمس الدین علی بن سید ناصر الدین احمد بن شرف الدین محمد بن شمس الدین ابو القاسم علی بن عمید الدین عبدالمطلب بن جلال الدین ابو نصر ابراهیم بن عمید الدین عبدالمطلب بن شمس الدین علی بن تاج الدین ابو علی حسن بن شمس الدین ابو القاسم علی بن عمید الدین ابو جعفر بن ابو نزار عدنان بن ابو الفضائل عبدالله بن ابو علی عمر المختار بن ابو العلا مسلم الاحول بن ابو علی محمد امیر الحاج بن امیر ابو الحسین محمد الاشتر بن عبیدالله الثالث بن ابو الحسین علی بن ابو علی عبیدالله الثانی بن ابو الحسن علی زوج الصالحه کذا ابن ابو علی عبیدالله الاعرج بن ابو عبدالله حسین الاصغر علیه السلم.
حضرت حسین الاصغر ع نامش در مقام اول (۱۳۴۴ ش) برده شد.
بسیاری دیگر از سادات این سلسله هم از معاریف عصر خود بوده اند از آن جمله حضرت عبیدالله الاعرج سر سلسله بزرگی از سادات شده که آنها را اعرجی خوانند و جماعتی از این خانواده در عرب و عجم وغیره موجود اند. ومسلم الاحول امیر حاج ومردی شجاع بوده که از غایت شجاعت او را شیخ بنی عبیدالله می گفته اند و در سنه ۳۸۹ کشته شده. و فرزندش عمر المختار نیز امیر حاج ونقیب نجف بوده واز غایت جلالتی که داشته اولادش را بدو نسبت داده آنها را مختاری گفتند. وسلسله ئی از سادات اعرجی در اینجا جدا شده وجماعتی از علما از آنها بهم رسیده اند، و میر شمس الدین علی در سنه ۹۵۴ وفات کرده و میر محمد باقر از اعیان علماء است، و یکی از فرزندانش مرحوم میر محمد صادق از آبهتی که داشته فرزندان او وبرادرانش را بدو نسبت داده همه را سادات میر محمد صادقی گویند، واینجا باز سلسله ئی از سادات مختاری جدا شده اند. و فرزند دیگر میر محمد باقر مرحوم میر سید علی هم از علما بوده، و فرزندش میر محمد باقر در سنه ۱۲۱۶ متولد و در حدود (۱۲۸۰) وفات کرده و در نجف دفن است، و فرزندش مرحوم آقا سید محسن از علماء اصفهان بوده، وفاتش دوشنبه ... ج ۱ سنه ۱۳۲۸ و قبرش در تخت پولاد نزدیک فاضل هندی.
و فرزندش جناب آقا سید عبدالله ثقة الاسلام صاحب این عنوان (سلمه الله تعالی من آفات الزمان) از ... [۱] علماء اصفهان ومشاهیر سادات این خاندان است و در فقه و اصول و سایر علوم شرعیه و مقدمات آنها مهارتی کامل و در سیر و تاریخ و احوال

---

[۱] معاریف ... عبارت دیده نشد وصواب معارف است.

واخبار علما وخصوصاً احوال بزرگان قدما، ومتأخرین سلسله خود تتبعی وافی واطلاعی کافی
بهم رسانید. ... در دوازدهم ماه رجب الاخر این سال (مطابق ۹ اسفندماه قدیم) اندر زمان
ناصرالدین شاه متولد شده، ودر هفت سالگی بمکتب رفت وبعد از تکمیل فارسی شروع بمقدمات
عربی نمود، واز اساتید نحو وصرف ومنطق ومعانی وبیان وهیئت آنچه در اصفهان بودند
خدمت وبقدر امکان از آنها اخذ فرمود. پس در نزد علماء اصفهان مشغول فقه واصول
گردید، ودر هیجده سالگی عازم عتبات عالیات وبا فقدان وسائل وسردی هوا در ع ۱ سنه
۱۳۰۰ با جمعی از اقارب واقوام حرکت بدان زمین برین کرد، وبا شدائد بسیار در ماه رجب بکربلا
رسید وبعد از فراغ از زیارت کربلا واز آنجا بنجف رفت وچند روزی سیر دروس مدرسین
نموده وآخر مرحوم میرزا محمدعلی رشتی را که عالمی زاهد ومرتاض بود اختیار فرمود وچندی از
خدمتش استفاده کرد، وهم در معقول نزد ملا احمد شیرازی درس خواند. پس بسامره آمد
ومدتی خدمت مرحوم میرزای شیرازی ره بسر برد، لیکن در آن زمان شدت ریاست و
مرجعیت میرزا مانع از استفاده عموم بود. لاجرم آقا سید عبدالله در خدمت چند نفر از مقررین
مطالب عالیه آن مرحوم مثل آقا سید محمد فشارکی وآقای صدر وحاجی میرزا محمدتقی
شیرازی شاگردی کرد، ومدتی هم در نجف در نزد مرحوم میرزای رشتی ومرحوم آقا سید محمد
کاظم یزدی تحصیل نمود، ودر اواخر فیض درس مبارک مرحوم آخوند خراسانی را فوزی
عظیم وغنیمتی جسیم دانسته از خواص حوزه درس آن بزرگوار شد، وتا وفات او در آن اراضی
مقدسه بسر برد وضمناً کتب چندی هم تألیف فرمود، وپس از وفات آن رئیس اعظم وپریشانی
احوال اهل علم وهمچنین فوت عیال خود وانقلابات واوضاع آشوب در آن سرزمین مختل وگرفتاری
های چندی برایش رخ داد، لاجرم در سنه ۱۳۳۰ از عتبات حرکت وباصفهان آمد ودر آنجا
بتدریس وتألیف ودر مسجد رحیم خان در محله نو بامامت اشتغال ورزید، وتاکنون سفری بمشهد مقدس
رفته واین فقیر مؤلف را اکثر از فیض حضور ایشان نصیب افتاده ودر بین آشنائی کامل حاصل شده،
وکتب مؤلفه ایشان ... این قرار است اول تقریرات اصولیه اساتید بزرگوار خود که دو دوره تمام،
دوم حاشیه بر طهارت مرحوم حاجی شیخ مرتضی تا آخر غسل اموات، سیم رساله‌ئی در عدالت، چهارم
رساله‌ئی در قاعده «من ملک شیئاً ملک الاقرار به»، پنجم رساله‌ئی در تقلید اعلم، ششم
رساله‌ئی در لباس مشکوک، هفتم کتاب خلاصة الاصول یک دوره تمام انجام تألیف آن روز
سه شنبه دهم ج ۱ سنه ۱۳۰۷، هشتم رساله‌ئی در قاعده میسور، نهم کتاب مقتضب المقال
در علم رجال، دهم کتاب انیس العارفین در احوال نزع وعالم برزخ، یازدهم کتاب مشکول
که مهمل کشکول ودر مطالب متفرقه وناتمام است، دوازدهم رساله‌ئی بطرز رساله شیخ اسمعیل

معری که متن متعارفی آن در وضو واز کلمات اوائل واواسط واواخر سطور آن لغز تیمم وغسل از
تألیف کتاب برمی آید، سیزدهم کتاب مسلی المؤمنین در اندراس مذاهب ودین، چهاردهم کتاب
لؤلؤ الصدف در تاریخ نجف انجام تألیف آن روز ۵ شنبه ۶ محرم سنه ۱۳۲۲، پانزدهم کتاب
نور الایمان در اغماضیه بحر عرفان یعنی رد کتاب بحر العرفان که در اثبات حقیت بهائیه است
شانزدهم رساله‌ئی در اصول دین بطرز ... برای مدارس جدیده، هفدهم رساله‌ای که حکم چندی
هیجدهم مقالات سیاسی چندی در رد متجددین، نوزدهم فهرست اتصال روایت از مشایخ
خود تا ائمه (ع) بطرز واسلوب عجیب، بیستم کتابی در حدود شرعیه بسبک جدید بطور
ماده چندم وفلان، بیست ویکم کتاب ارشاد المسلمین ...، اولاد امیرالمؤمنین (ع) در احوال آباء
واجداد وبسیاری از علماء ومتأخرین سلسله خود که ما از آن ... حصه‌ئی در احوال خودش استفاده
نمودیم، ولی افسوس ... بسیاری از اغلاط واشتباهات واضحه در آن واقع شده، انجام تألیفش
آدینه ۱۴ ع ۲ سنه ۱۳۴۵ ه‍، انتهی المقصود من کلام الفاضل المعظم فی مقاماته.

مرحوم آقا سید عبدالله پس از فوت مرحوم آقا سید محمد مهدی موسوی درچه‌ئی مجتهد شهیر در
۱۳۶۴ شروع بتدریس خارج فقه واصول کرد در مسجد نو بازار وجمعی از فضلا شرکت مینمودند وتا
حدود ۱۳۸۱ مشغول بود. آن مرحوم با جد امی اینجانب مرحوم آیة الله الحاج میرزا سید حسن چهارسوقی
(۱۲۹۴-۱۳۷۷) بسیار مأنوس بود وپیوسته رفت وآمد میکرد وغالباً اینجانب نیز در خدمتشان
بودم واز جلساتشان بهره بسیار بردم وفوائد عدیده تاریخی وعلمی ضبط نمودم وهم از هر دو بزرگوار
باجازه مبسوطه مجاز شدم که اینک بخطوط مبارکشان موجود است.

از مرحوم آقا سید عبدالله هفت نفر فرزند پسر ودیگر دختر پدید آمده که در حال حیاتند اکبر واشهر
آنان جناب آقا سید کاظم اهل علم وفضل وتقوی وامام جماعت در مسجد رحیمخان وغیره میباشد ویکی
از عموزاده‌های ما ودامادهای معظم‌له ودو نفر از فرزندان مرحوم ثقة الاسلام نیز داماد منسوبین ما هستند.
سایر فرزندان آن مرحوم (غیر از آقا سید کاظم) هیچیک معمم نیستند واسماء آنان در شجره نامه خانوادگی
خودشان که بطبع رسیده مندرج است.

از تألیفات مرحوم آقا سید عبدالله «لؤلؤ الصدف» در تاریخ نجف بسال ۱۳۷۹ وکتاب
«انیس العارفین» بسال ۱۳۸۰ هر یک در زیاده بر (۱۵۰ صفحه) رقعی در اصفهان چاپ شده
واز اتفاقات حسنه اینکه نسخه اصل «لؤلؤ الصدف» را بخط مؤلف با تعلیقاتی بخط مرحوم
شیخ محمدرضا ابوالمجد نجفی مسجدشاهی چند سال قبل این حقیر نزد کتابفروشی در قم یافتم وخریداری کردم
والحمد لله رب العالمین. در اینجا مناسب دیدیم شرحی را که آن مرحوم درباره کرامت عسکریه علویه
در «لؤلؤ الصدف» ص ۸۸ ببعد نسخه چاپی، نوشته تیمناً وتبرکاً در این جزوه نقل کنیم، گوید:
«در سنه هزار وسیصد ونوزده وقعه فتح باب نجف که از قصه‌های قطعیه در این اعصار

